

مدح الفقیر - معلومات اسرار القلوب و مفهومات انوار القلوب - فتح الابواب و حقیقة الاداب در تصوف - مکانیب .

۳۰ - امیر سید جمال الدین عطاء الله بن فضل الله حسینی دشتکی شیرازی نیشابوری که او نیز از سادات خاندان معروف دشتکی شیراز بوده و از شیراز بهرات رفته و چندی در نیشابور بوده و شاگرد امیر اصیل الدین سابق الذکر بوده و در مدرسه سلطانیه هرات در زمان سلطان حسین میرزا وعظ میکرده و از واعظان مشهور آن زمان بوده است و در ۹۲۶ در گذشته و وی کتابهای چند تألیف کرده است از آن جمله روضة الاحباب فی سیرة النبی والار والاصحاب که از ۸۸۸ تا ۹۰۳ بدرخواست علیشیر نوشته و نیز کتاب تحفة الاحباء فی مناقب آل عبا و کتاب ریاض السیر ازوست .

۳۱ - احمد بن تاج الدین حسن بن سیف الدین استرآبادی مؤلف کتاب آثار احمدی در سیرة رسول که مختصری از روضة الاحباب سابق الذکر است و در حدود سال ۹۰۰ تألیف کرده است .

۳۲ - محمد بن ابی زید بن عربشاه بن ابی زید حسینی علوی ورامینی مؤلف احسن الکبار فی معرفة ائمة الاطهار در تاریخ ائمه که در ۸۳۷ تألیف کرده است .

۳۳ - شهاب الدین بن شمس الدین عمر دولت آبادی متوفی در حدود ۸۴۹ مؤلف کتاب مناقب السادات .

۳۴ - نجیب الدین محمد بن محمود ایجی که در اواسط قرن نهم میزیسته و کتابی در سیرة رسول و خلفا نوشته است .

۳۵ - مهین الدین یا کمال الدین حسین بن علی کاشفی بهمنی هروی واعظ معروف بملاحسین کاشفی یکی از معروفترین دانشمندان قرن نهم و مؤلفان زبان فارسیست . در شهر سبزوار در ناحیه بیهق ولادت یافت و خاندان او همه از مردم بیهق بودند و وی نخست در شهر سبزوار میزیست و بوعظ و تذکیر مشغول بود و چون بانگی خوش و گیرنده و گفتاری فریبنده و حافظه سرشار و دانش بسیار داشت در فن خود معروف شد و مجالس ذکر و موعظه او بسیاری از مردم را بخود جلب میکرد . پس از چندی از

سبزوار عازم سفر شد و بنیشابور و از آنجا بمشهد رفت و در سال ۸۶۰ که در مشهد بود شبی سعدالدین کاشغری عارف مشهور را که در هرات میزیست بخواب دید که او را بخود میخواند و چون در پی او گشت و کاروانی از هرات رسید و پرسید معلوم شد که در همان زمان در روز چهارشنبه ۷ جمادی الاخره ۸۶۰ در گذشته است و کاشفی بهرات رفت و در سر خاک سعدالدین کاشغری بیدار جامی شاعر و نویسنده معروف آن زمان رسید و براهنمایی جامی در سلك طریقه نقشبندی درآمد. همچنان در هرات بذکر و موعظه مشغول بود و با شاهزادگان تیهوری مخصوصاً سلطان حسین میرزا و علیشیر مربوط شد و بدعوت ایشان کتابهای چند نوشته است ولی بیشتر با ابوالحسن میرزا پسر سلطان حسین مربوط بوده و برخی از کتابهای خود را برای او نوشته و بدینگونه چندین سال در شهر هرات زیسته و هر بامداد آدینه در دارالسیاده سلطانی و پس از نماز آدینه در جامع علیشیر و هر سه شنبه در مدرسه سلطانی و هر چهارشنبه در سرخاک خواجه ابوالولید احمد و عطف میکرده و چندی نیز در حظیره سلطان احمد میرزا مجلس و عطف داشته است و سرانجام در سال ۹۱۰ در هرات در گذشته است. کاشفی دانشمند بسیار پرکاری بود و چون در فنون مختلف دست داشته در بسیاری از آنها کتابهایی نوشته و در زبان فارسی و تازی دست داشته و نویسنده و شاعر خوبی بوده و در شعر کاشفی نخلص میکرده است. مؤلفات عمده او ازین قرار است: جواهر التفسیر لتحفة الامیر که برای علیشیر نوشته و مجلد نخست آنرا تاسوره آل عمران در ۸۹۰ بیابان رسانده و در ۸۹۲ بتألیف مجلد دوم آغاز کرده ولی بیابان رسانده است. جامع السنین در تفسیر سوره یوسف بتازی در شصت فصل - مختصر الجواهر در تفسیر فارسی که خلاصه ای از همان جواهر التفسیر است - مواهب علیه در تفسیر بفارسی که بنام تفسیر حسینی معروف است و آنرا نیز برای علیشیر پرداخته و در غره محرم ۸۹۷ بتألیف آن آغاز کرده و در دوم شوال ۸۹۹ بیابان رسانده و روضه الشهداء که معروفترین کتاب فارسی در واقعه کربلاست و چون مدت‌های مدید آن را بر سر منبر میخواندند اصطلاح «روضه خوان» و «روضه خوانی» از نام همین کتاب آمده و آنرا در سال ۹۰۸ بنام میرزا مرشدالدین عبدالله نوه دختری

سلطان حسین میرزا نوشته شرح مثنوی که آنرا در هرات بیابان رسانده - لباب معنوی  
 فی انتخاب مثنوی - لباب مثنوی که انتخاب دیگری از مثنوی مولویست و روز شنبه  
 آخر ماه صیام ۸۷۵ بیابان رسانده است - اخلاق المحسنین معروف باخلاق محسنی که  
 یکی از رایج ترین کتابهای اوست و بنام ابوالحسن میرزا در سال ۹۰۰ بیابان رسانده -  
 مخزن الانشاء که برای سلطان حسین و علیشیر در جمعه ۹ ذیحجه ۹۰۷ بیابان  
 رسانده است - صحیفه شاهی که کتاب دیگریست در انشاء و آنرا بجدول نوشته و در  
 جمادی الاخره ۹۰۷ برای ابوالحسن میرزا بیابان رسانده - انوار سهیلی که تهنیتی  
 از کلیده و دمنه است و بنام شیخ احمد سهیلی از امرای و شعرای دربار سلطان حسین  
 نوشته است و آن نیز از مؤلفات معروف اوست - اسرار قاسمی در سحر و طلسمات و کیمیا  
 که در ۹۰۷ نوشته و پسرش فخرالدین علی آنرا خلاصه کرده است - لوابح القمر در  
 احکام ماه که در ۸۷۸ بنام شمس الدین محمد بیابان رسانده - میامن المشتري در احکام  
 مشتري - سواطع المريخ در احکام مریخ - لوامع الشمس در احکام خورشید - مناهج الزهره  
 در احکام زهره - منایح عطارد در احکام عطارد - مواهب الزحل در احکام زحل که در ۹۱۰  
 بیابان رسیده است - مرصد الانسی فی استخراج اسماء الله الحسنى - رساله العلویه که  
 برای شیخ نصیر الدین عبیدالله نقشبندی نوشته - تحفة العلیه - رساله در علم اعداد -  
 بدایع الافکار فی صنایع الاشعار در بیان اقسام صناعات شعری و بدیع - رساله در اوراد  
 و ادعیه - رساله حاتمیه در حکایات راجع بحاتم طایی که بنام سلطان حسین میرزا در  
 ۸۹۱ بیابان رسانده است - رساله العلیه فی احادیث النبویه شامل چهل حدیث - اختیارات  
 نجوم - فیض النوال فی بیان الزوال - مفاتیح الکنوز در کیمیا شامل بدست رساله از حکما -  
 میامن الاکتساب فی قواعد الاحتساب - آینه سکندری در حساب - مرآت الصفا فی  
 صفات المصطفی - فتوت نامه سلطانی در آیین فتوت - تحفة لصلوة در ادعیه روزانه که  
 در رمضان ۹۰۹ بیابان رسانده است - مالا بدمنه فی المذهب - مناهج الولا به در شرح  
 خطب نهج البلاغه - کاشفی پسری داشته است بنام فخرالدین علی متخلص بصفی و دختر  
 خواجه اکبر معروف بخواجه کلان پسر سعدالدین کاشغری را در سال ۹۰۴ پدرش برای

او گرفته و دختر دیگر زن جامی بوده و فخرالدین علی نیز مانند پدر در هرات میزیسته و از پیروان طریقه نقشبندی بوده و در ۹۳۹ در گذشت و او گذشته از تلخیص کتاب اسرار قاسمی پدرش مؤلفاتی دارد از آن جمله رشحات عین الحیوة که در احوال مشایخ نقشبندیه نوشته و در ۹۰۹ پایان رسانده و لطایف الطوائف در حکایات که در ۹۳۹ تألیف کرده و حرز الامان من فتن الزمان در خواص و منافع حروف و اسرار قرآن و نیز مثنوی محمود و ایازی سروده است .

۳۶ - ابو الحسن طبری مؤلف مفاتیح العجم در تاریخ پیش از اسلام ایران که بفرمان علیشیر نوشته است .

۳۷ - شرف الدین علی بن شمس الدین علی یزیدی که از تاریخ نویسان مشهور این قرن بشمار میرود و از مشاهیر علمای زمان خود بوده پس از آنکه در نزد مقامات مختلف داشته در دربار شاهرخ و مخصوصاً در دستگاه پسرش ابراهیم سلطان مقام مهمی یافته است و پس از مرگ ابراهیم سلطان در ۷۳۸ مداح خاص یونس خان از خوانین مغول بوده است و سپس در سال ۸۴۶ که میرزا سلطان محمد حکمران عراق عجم شد او را از یزد بقم نزد خود خواند و سمت ندیمی خود را باو داد و چون در سال ۸۵۰ بنای سرکشی را گذاشت شاهرخ نسبت باو بدگمان بود و می پنداشت که وی محرک آن سرکشی شده و چون در جگ دستگیر شد و شاهرخ میخواست او را بکشد میرزا - عبداللطیف پسر الخ بیگ از وی شفاعت کرد و او را باخود بسمرقند برد و چون سلطان محمد پس از مرگ شاهرخ بر خراسان استیلا یافت در سال ۸۵۳ وی را رخصت داد که یزد باز گردد و وی در تفت ساکن شد و در آنجا بسال ۸۵۸ در گذشت و در مدرسه شرفیه که از بناهای او بود نزدیک مسجد جامع محله میرچماق در جنب مزار پدرش وی را بخاک سپردند . شرف الدین از دانشمندان متبحر زمان خود بوده و در بسیاری از فنون متداول زمان دست داشته و مؤلفات چند از او مانده است که مهمترین و رایج ترین آنها نظرنامه تیموریست و آنرا در سال ۸۲۸ در شیراز بنابر دستور ابراهیم سلطان در زمانی که در دستگاه او بوده پایان رسانده و چهارسال مشغول تألیف آن بوده و اطلاعات

خود را از ظفر نامه نظام شامی و مطالبی که روزنامه چیان زمان تیمور گرد آورده بودند و از خزانه گرفته و از آنچه پیران سالخورده شنیده فراهم کرده است و چون جامعترین کتابهای تاریخ تیمورست رایجترین کتاب درین زمینه بشمار میرود. چندی پس از تألیف این کتاب مقدمه‌ای در شرح قبایل ترك و مغول و باصطلاح آن زمان الوس جغتای یعنی انساب جغتای و احوال الوس بر آن کتاب نوشته که بتاریخ جهانگیریه یا مقدمه ظفر نامه معروف شده و بجز آن وی را مؤلفات دیگرست ازین قرار: حلال مطرز در فن معما و لغز که در کتاب دیگری آنرا خلاصه کرده و منتخبی از آن فراهم کرده است. شرح قصیده برده شرف الدین بوصیری - تحفة الفقیر و هدیة الحقیر مجموعه از اشعار فارسی و عربی - کنه المراد فی علم الوفق و الاعداد در اریتماطیقی - رساله حساب عقد انامل - حقایق التهلیل مقدمه بر دیوان حافظ - کتاب اسطرلاب - منشآت - شرف الدین علی در شعر فارسی نیز دست داشته و شرف تخلص میکرده دیوان اشعار او باقیست و نیز منظومه‌ای بیحزب در فتوحات تیمور سروده که بتیمور نامه معروفست.

#### ۳۸ - محمد طراغای ملقب باغ بیک پسر شاهرخ شاه معروف تیموری

در ۱۹ جمادی الاولی ۷۹۶ در سلطانیه ولادت یافت و در ۸۱۲ حکمرانی سمرقند را باودادند و در ۲۵ ذیحجه ۸۵۰ پس از مرگ پدر جانشین او شد و در ۱۰ رمضان ۸۵۳ پسرش عبداللطیف او را کشت و بجای وی بسطانت نشست. الغ بیک نه تنها یکی از فاضلترین پادشاهان سلسله تیمورست بلکه یکی از دانشمندترین کسانیست که در ایران پیادشاهی رسیده‌اند و در فنون مختلف زمان خود احاطه داشته مخصوصاً در تاریخ و ریاضیات و نجوم تسلط داشته است و بهمین جهت از پرورش دانشمندان و فراهم آوردن وسایل ترقیات علمی هیچ دریغ نمیکرده و دانشمندان بزرگ زمان همه از او متنعم میشده‌اند و مهمترین کاری که در راه دانش کرده اینست که در سال ۸۴۱ در شمال شرقی سمرقند رصدخانه‌ای ساخت و همه علمای نجوم را در آنجا گرد آورد و زیج جدیدی که بنام زیج الغ بیک معروفست بدستیاری غیاث الدین جمشید کاشانی و صلاح الدین موسی معروف بقاضی زاده رومی متوفی در ۸۱۵ ساکن سمرقند و زین الدین یا

علاءالدین علی بن محمد فوشچی معروف بملاعلی فوشچی و معینالدین کاشانی خواهر زاده غیاثالدین جمشید که او را برای همین کار از کاشان خواسته بود و جلالالدین اسطرابلی ترتیب دادند و خود کتابی در باره این زیج نوشته که بزین الخ بیگ معروفست و رایجترین کتاب این فن بشمار میرود و بهمین جهت زیج او را کاملترین زیجها می دانند و دیگر از تألیفات او کتابیست بنام «الوس اربعة چنگیزی» در وصف طوایف مغول و نیز کتاب شجرة الترك که آن را بعضی بعبدالمقندر متوفی در ۸۳۱ نسبت میدهند و ازو هم می دانند.

#### ۴۹ - غیاثالدین علی بن جمال الاسلام یزدی مؤلف روزنامه غزوات هندوستان

که خود در سفر هند با تیمور همراه بوده و این کتاب را در تاریخ آن سفر نوشته است.

#### ۴۰ - نظامالدین عبدالواسع شامی یا شنب غازانی معروف بنظام شامی

اصلاً از مردم محله شام غازان یا شنب غازان تبریز بوده و در جوانی ببغداد رفته و در آنجا کتاب سلوان المطاع فی عدوان الاتباع تألیف فخرالدین ابوهاشم محمد بن محمد بن ظفر طغرایبی را که در حکایات بنام ریاض الملوك برای سلطان اویس جلایر ترجمه کرده است و نیز داستان بوداسف و بلوهر را از عربی بنام سلطان احمد جلایر ترجمه کرده است. در سال ۷۹۵ بدست لشکریان تیمور در آن شهر اسیر شده و از آن پس در دربار تیمور بوده است چنانکه در ۸۰۳ با او در حلب بوده و تیمور در سال ۸۰۴ او را مأمور کرد کتابی در تاریخ سلطنت وی بنویسد و وی کتاب ظفر نامه را از روی اطلاعات رسمی که در آن زمان باو میرسیده است نوشته و تا وقایع سال ۸۰۶ را در آن کتاب آورده است و در ضمن شاعر هم بوده است و اشعار خود را در ظفر نامه نقل کرده است.

#### ۴۱ - کمالالدین عبدالرزاق بن جمال الدین اسحق سمرقندی نیز از تاریخ

نویسان نامی قرن نهم بشمار میرود. در سال ۸۱۶ در هرات ولادت یافت پدرش بحکم وزارت قاضی عسکر و شیخ الاسلام سپاه شاهرخ بود و وی نیز در ۸۴۱ بدربار شاهرخ راه

یافت و در همان سال در ۲۵ سالگی جانشین پدر شد و در ۸۴۵ شاهرخ او را بجزوب هندوستان فرستاد و بدربار پادشاه بیجانگر رفت و در ۸۴۸ باز گشت و تفصیل این سفر را خود در مجلد دوم مطلع السعدین نوشته است و سپس در ۸۵۰ سفارت دیگری بکیلان رفت و بعد از مرگ شاهرخ جزو مختصان جانشینان او میرزا عبداللطیف و میرزا عبدالله و میرزا ابوالقاسم بابر و میرزا ابو سعید بود ولی در سال ۸۶۷ از خدمت دربار کناره گرفت و در سلك صوفیان در خانقاه شاهرخ در هرات معتکف گشت و در ۸۷۶ ابو سعید ریاست آن خانقاه را باو داد و سرانجام در ۸۸۷ در آنجا در گذشت. کمال الدین عبدالرزاق مؤلف کتاب معروفست بنام مطلع السعدین و مجمع البحرین در تاریخ نیموریان که از وقایع سال ۷۰۰ تا ۸۷۵ را در آن ضبط کرده است و در ۸۸۰ آنرا پایان رسانده است. این کتاب شامل دو مجلد است که مجلد اول از ولادت ابو سعید بهادر تا جلوس سلطان خلیل در سمرقند و مجلد دوم از جلوس ابوالغازی سلطان حسین را دربر دارد.

۴۲ - امین الدین ابوالخیر فضل الله بن روز بهان بن فضل الله خنجی اصفهانی شیرازی ملقب با مین و معروف بنخواجه ملا یا خواجه مولانا نخست از پیوستگان دربار آق قویونلو و سنی بسیار متعصبی بود و در اصفهان و شیراز میزیست و چون شاه اسمعیل اصفهان را گرفت جان خویش را در خطر میدید بکاشان و از آنجا بماوراءالنهر گریخت و در ۹۱۸ در سمرقند بود و دیگر از احوال وی اطلاع نیست و ظاهراً پس از ۹۲۱ در ماوراءالنهر در گذشت است. وی مؤلف کتابهای چندست از آن جمله: تاریخ عالم آرای امینی در تاریخ خاندان آق قویونلو که از زمان سلطان یعقوب بن حسن بیک (متوفی در ۸۹۶) بتألیف آن آغاز کرده و در زمان بایسنغر (متوفی در ۸۹۷) پایان رسانده است - بدیع الزمان فی قصة حی بن یقطان که در ۸۹۲ بنام سلطان یعقوب بایندری نوشته - ابطال نهج الباطل و اهمال کشف العاطل معروف بابطال الباطل که رد بر کتاب نهج الحق و کشف الصدق تألیف علامه حلی است و قاضی نورالله شوشتری کتاب احقاق الحقایق خود را در اثبات حقیقت شیعه و رد بر

کتاب وی که رد بر شیعه است نوشته و این کتاب را در ۹۰۹ در کاشان بزبان تازی نوشته است - شرح وصایای عبدالخالق غجدوانی - سلوک الملوك که در سمرقند در ۹۱۸ بنام ابوالغازی عیدالله خان ازبک آغاز کرده و در ۹۲۰ به پایان رسانده است - شرح قصیده برده شرف الدین بوصیری که در ۹۲۱ نوشته است - مهمان نامه بخارا شامل تاریخ سلسله شیبانی و جنگ آنها با ازبکان و مخصوصاً لشکرکشی سوم شیبانی خان بر ازبکان که در شوال ۹۱۴ در بخارا آغاز کرده و در جمادی الاولی ۹۱۵ در هرات به پایان رسانده است .

۴۳ - معین الدین محمد زمیجی اسفزاری هروی از متشیان معروف زمان خود بود - در ۸۷۳ بهرات رفت و در دربار سلطان حسین بایقرا بمقامات مهم نایل گشت چنانکه نشان شاهی را که مهر رسمی دربار سلطنت بود باو سپردند و بیشتر باقوام الدین نظام الملک خوافی وزیر معروف که در پرورش دانشمندان اختصاص داشت مربوط بوده و در ۹۰۳ در گذشته است . معین الدین مؤلف چند کتاب جالب توجه است از آن جمله رساله ای در انشاء و قوانین که در ۸۷۳ نوشته و در آن مکانیسی را که از جانب سلطان حسین نوشته است ثبت کرده و دیگر از مؤلفات او کتاب روضات الجنات فی اوصاف مدینة الہرات است که در ۸۹۷ بنام سلطان حسین میرزا تألیف کرده و شامل ۲۶ فصل است و در ضمن شاعر بوده و شعر را تا اندازه ای خوب میگفته است .

۴۴ - سید ظہیر الدین بن نصیر الدین مرعشی حنفی قوام الدین از مورخان معروف قرن نهم در حدود ۸۱۵ ولادت یافته و در دربار سلطان محمد کیای دوم در کارهای دیوانی و لشکری وارد بوده و مشاغل مختلف داشته است و سپس در دربار جانشین وی کار کیا میرزا علی (۸۸۱ - ۹۰۹) نیز بوده است و در حدود ۸۹۴ در گذشته و دو کتاب بسیار جالب توجه از او مانده است یکی تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تا وقایع سال ۸۸۱ و دیگر تاریخ گیلان و دیلمستان تا وقایع سال ۸۹۴ .

۴۵ - علی بن شمس الدین بن حاجی حسن لاهیجی مؤلف تاریخ خای شامل وقایع تاریخ گیلان که بنام سلطان احمدخان معروف بخان احمدخان پادشاه معروف



گیلان نوشته و در محرم ۹۲۱ آغاز کرده و دو صفر ۹۲۲ پایان رسانده و شامل وقایع از ۸۸۰ تا ۹۲۰ است .

۴۶ - جعفر بن حسین بن حسن جعفری یزدی از مورخان دوره شاهرخ (۸۱۲-۸۱۳)

(۸۵۳) بوده است و دو کتاب نوشته یکی تاریخ کبیر از آغاز خلقت تا وقایع ۸۴۰ و دیگر تاریخ یزد که بنام شاهرخ پایان رسانده است .

۴۷ - احمد بن حسین بن علی کاتب یزدی که او نیز از مورخان یزد بوده و کتابی

بنام تاریخ جدید نوشته که با اسم میرزا جهانشاه قزوینلو (۸۳۲-۸۵۲) بتألیف آن آغاز کرده و در ۸۶۱ پایان رسانده است .

۴۸ - زین الدین محمود بن عبدالجلیل و اصفی از دانشمندان خراسان بوده

و سفری از خراسان ب ماوراءالنهر کرده و در زمان عبیدالله خان شیانی در ۹۱۶ در سمرقند و در ۹۱۸ در بخارا بوده و در ۹۳۷ در گذشته و مؤلف کتاب بسیار گران بهایست بنام بدایع الوقایع که مشاهدات خود را در سمرقند و بخارا و تاشکند نوشته و اطلاعات بسیار سودمند درباره میرزا الغ بیک و علیشیر نوایی دارد .

۴۹ - محمد امین بن حاج خلیل قونیوی مؤلف کتابی در تاریخ پادشاهان

آل عثمان که بفرمان سلطان محمد دوم عثمانی (۸۵۵ - ۸۸۶) نوشته است و از تاریخ سلاجقه روم آغاز کرده است .

۵۰ - علی بن ملوک منشی که او نیز از تاریخ نویسان خاک عثمانی بوده و مؤلف

کتابیست بنام ظفر نامه در تاریخ فتوحات سلطان محمد دوم .

۵۱ - کمال الدین یا حکیم الدین ادریس بن حسام الدین علی بدلیسی

معروفترین مورخ قرن نهم خاک عثمانی از منشیان دربار سلطان یعقوب آق قوینلو متوفی در ۸۹۵ بوده و در ۸۹۰ نامه‌ای از جانب این پادشاه بایزید دوم پادشاه عثمانی نوشت و چون بایزید انشاء وی را پسندیده بود پس از برچیده شدن سلطنت آق قوینلو از ترس اینکه مبادا بدست شاه اسمعیل بیفتد نزد بایزید رفت و وی او را گرامی شمرد و در دربار عثمانی مقام مهم داشت و در دستگاه بایزید دوم (۸۸۶-۹۱۸) و سلطان سلیم

اول (۹۱۸ - ۹۲۶) معزز بود، چنانکه در جنگ با شاه اسمعیل فرمانده سپاهیان کرد لشکر عثمانی بود و در جنگهای مصر نیز حاضر بود و در ۹۲۱ بمأموریت بکردستان آمد و سرانجام در ذیحجه ۹۲۶ درگذشت و در استانبول در محله ایوب نزدیک مسجد زینب خاتون او را بخاک سپردند و قبرش اکنون بنام «ادریس کوشکو» معروفست. وی از دانشمندان مسلط زمان خود بوده و در فنون مختلف دست داشته و بزبان تازی و پارسی در رشته های مختلف تألیف کرده از آن جمله: رساله فی الطاعون و جواز الفرار عنه - شرح گلشن راز - تفسیری که بنام بایزید نوشته - منشات - هشت بهشت شامل تاریخ هشت قرن از نخستین پادشاهان آل عثمان تا وقایع سال ۹۰۸ در سلطنت بایزید دوم که بنام صفات الثمانیه نیز معروفست و رایج ترین کتاب فارسی در احوال پادشاهان عثمانیست - سلیم نامه در تاریخ سلطنت سلطان سلیم اول از ۹۱۸ تا ۹۲۶.

۵۲ - عبدالکبیر بن اویس بن محمد متخلص بلطینی معروف بقاضی زاده.

از شاعران و تاریخ نویسان معروف خاندان عثمانی بوده و در سفر مصر در قاهره بسال ۹۳۰ در گذشته است و وی کتاب معروف و فیات الاعیان تألیف ابن خلکان را بنام سلطان سلیم اول (۹۱۸-۹۲۶) در دو مجلد بفارسی ترجمه کرده و مجلد نخست آنرا در ۹۲۶ و مجلد دوم را در ۹۲۸ در استانبول بیابان رسانده است و نیز مؤلف کتابیست بنام غزوات سلطان سلیم شامل تاریخ فتح مصر که در آن سفر همراه بوده و بفرمان امیر صدرالدین محمد و از روی اسنادی که در آن جنگ تهیه کرده اند نوشته است.

۵۳ - شهاب الدین دولت آبادی از تاریخ نویسان قرن نهم هندوستان بوده و در

۸۴۹ در گذشته است و وی مؤلف کتابیست در تاریخ مدینه که از کتاب خلاصة الوفا فی اخبار دارالمصطفی تألیف نورالدین علی بن عبدالله سمهودی ترجمه کرده است.

۵۴ - امیر محمد بن امیر مبارز از امرای سیستان و جد مادری مؤلف احیاء الملوك

در تاریخ سیستانست که با نظام الدین یحیی بن ملک عزالدین علی پادشاه سیستان (۸۴۲-۸۸۵) معاصر بوده و کتابی در تاریخ سیستان نوشته است.

۵۵ - یوسف بن احمد بن محمد بن عثمان که در زمان محمود شاه اول بایقرا

پادشاه گجرات (۸۸۹-۸۹۵) کتاب وفيات الاعيان تأليف ابن خلکان و ابنم منظر الانسان في ترجمة و فيات الاعيان ترجمه کرده است .

۵۶ - **كمال الدين ابوالغازي حميد بن منصور بن باقرا** ابن عمر شيخ بن تیمور پادشاه معروف سلسله تیموری که در ۸۴۲ ولادت یافته و از ۸۶۳ تا ۹۱۲ در خراسان پادشاهی کرده و بیشتر بنام سلطان حسين باقرا یا باقرا یا ابوالغازي سلطان حسين معروفست و یکی از معروفترین پادشاهان دانش پرور ایران بوده اورا برخی مؤلف کتابی دانسته اند بنام مجالس العشاق که در شرح احوال بزرگانی که عاشق بوده اند نوشته و چون ملزم بوده است که بجز احوال عشاق را ننویسد البته کتاب او اعتبار تاریخی ندارد و آنرا در میان سالهای ۸۰۹ و ۹۰۹ تألیف کرده است. این کتاب را بكمال الدين حسين کازر گاهی که از ادبای آن زمان و از دست پروردگان علیشیر بوده نیز نسبت داده اند و سلطان حسين در شعر فارسی و ترکی نیز دست داشته و حسینی تخلص میکرد و دیوان فارسی و ترکی او بدستست .

۵۷ - **امیر دولت شاه بن علاء الدوله بختی شاه غازی سمرقندی** پدرش علاء الدوله اسفراینی و پسر عمش فیروزبیک از امرای معروف دربار تیموری بوده اند و خود نیز از نجیب زادگان خراسان و از پیوستگان علیشیر بشمار میرفته است و در ضمن مرد زاهدی بوده و وی مؤلف کتاب بسیار رایجیست بنام تذکرة الشعراء و معروف بتذکرة دولت شاهی که در شرح احوال شعرا از آغاز شعر فارسی تا زمان خود نوشته و در سال ۸۹۲ بیابان رسانده است که در آن زمان نزدیک ۵۰ سال داشته است و این کتاب هر چند که شهرت بسیار دارد اما در باره شعرايي که بیش از زمان او پیش از قرن نهم بوده اند مطالب آن اغلب اعتبار ندارد .

۵۸ - **بدیع الدین عبدالغفور لاری** از دانشمندان و عرفای زمان خود و مشهورترین شاگردان جامی بوده و در هرات در ۹۱۲ درگذشته و نزدیک قبر جامی او را بخاک سپرده اند و وی در علوم زمان خود دست داشته و شرحها و حواشی چند بر کافیه تألیف ابن حاجب در نحو زبان نازی نوشته که تا تمام مانده است و معروفترین تألیف او

حاشیه‌ایست که بدرخواست ضیاءالدین یوسف پسر جامی بر تفحات الانس نوشته و بمنزله ذیل و متمم آن کتابست و دیگر از مؤلفات اوست شرح رساله نجم‌الدین کبری در بیان طریقه شطار .

۵۹ - حافظ محمد بن علی قوشچی پسر ملاعلی قوشچی دانشمند معروف قرن نهم که وی نیز در همان قرن می‌زیسته و مؤلف کتابیست در تاریخ آل چنگیز و تاریخ ختای که همان کتاب مجدالدین محمد بن عدنان مورخ قرن ششم را بزبان ترکی ترجمه کرده است .

۶۰ - محمد شیخ هروی مؤلف رساله‌ای در تفال دیوان حافظ .

۶۱ - نجم‌الدین طارمی که از اعیان دوات میرزا میرانشاه بن تیمور بوده و در انشاء تسلط داشته و بفرمان آن پادشاه کامل التواریخ تألیف ابن الاثیر را بفارسی ترجمه کرده است .

۶۲ - ابوظاهر بن علی بن حسن بن موسی طرسوسی که ظاهراً در خاک عثمانی می‌زیسته و کتابی بنثر فارسی بنام داراب نامه نوشته که شامل داستانهای قدیم ایران دوباره دارا بست .

۶۳ - عیسی بن جنید شیرازی پسر معین‌الدین ابوالقاسم جنید شاعر و مولف معروف قرن هشتم بوده و در نیمه اول قرن نهم می‌زیسته و کتاب شدالازار یا هزار مزار و یا کتاب المزارات پدرش را که درباب مزارات شیرازست بفارسی بنام ملتسم الاحیاء ترجمه کرده است .

۶۴ - سیف‌الدین بن حاجی بن نظام عقیلی از نویسندگان خوب قرن نهم بوده و مؤلف کتابیست بنام آثار الوزراء که در شرح حال وزرای اسلام در حدود سال ۸۷۵ برای نظام الملک قوام‌الدین خوافی وزیر معروف سلطان حسین میرزا نوشته است .

۶۵ - محمد بن حاج کامران استرآبادی مؤلف کتابی در نسب سادات بنام جامع الامثال که برای مظفرالدین ابوالغازی شمس‌الدین بن کمال‌الدین محمد (۹۸۷-۹۰۵) از بلوک رستم‌دارمازندران نوشته است .

۶۶ - محمود گیتی نیز از مورخین این قرن بوده و در سال ۸۲۳ کتاب مواهب الهیه معین الدین یزدی را که در تاریخ آل مظفرست و در قرن هشتم نوشته شده خلاصه و تهذیب کرده و دنباله وقایع خاندان آل مظفر را تا پایان سلطنت ایشان نوشته و ذیلی بر تاریخ کزیده حمدالله مستوفی قراد داده است .

۶۷ - حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی که در سال های ۸۰۵ و ۸۰۶ کتاب تاریخ قم را که در ۳۷۸ حسن بن محمد بن حسن قمی بتازی تألیف کرده است بنام خواجه فخرالدین ابراهیم بن عمادالدین محمود بن شمس الدین محمد بن علی صفی وزیر ترجمه کرده است .

۶۸ - عبدالرزاق بن عبدالکریم بن عبدالرزاق کرمانی که در سال ۹۱۱ کتابی در احوال شاه نعمه الله ولی بنام تذکره نوشته است .

۶۹ - محمد بن داود بن محمد بن محمود شادیا بادی که ظاهراً از ادبای قرن نهم بوده و کتابی در شرح فصاید خاقانی تألیف کرده است .

۷۰ - محرابی کرمانی که از شعرای قرن نهم بوده و کتابی بنام تذکره الاولیاء در مشاهد کرمان تألیف کرده است و در حدود سال ۹۳۹ آنرا نوشته و ازین قرار در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم در کرمان میزیسته است و در آن کتاب برخی از اشعار خود را آورده است .

۷۱ - یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی که از ادبای قرن نهم بوده و در سال ۸۶۷ رباعیات عمر خیام را در کتابی بنام طربخانه در ده فصل جمع کرده و مقدمه ای بنثر بر آن نوشته و حکایاتی را که درباره عمر خیام رواج داشته است در آن کتاب آورده

۷۲ - فاضل هروی مؤلف کتاب ارشاد الزراعه در علم زراعت که در سال ۹۲۱ تألیف کرده است .

۷۳ - قاضی خان بدر محمد دهلوی ملقب بدهاروال که از ادبای هندوستان بوده و کتابی در لغت فارسی بنام ادات الفضلا نوشته که در ۸۲۲ بیابان رسیده است .

۷۴ - قوام‌الدین ابراهیم فاروخی که وی نیز از لغت نویسان قرن نهم هندوستان بوده است و کتابی در لغت فارسی بنام شرف نامه احمد منیری یا فرهنگ ابراهیمی نوشته که در محرم ۸۷۸ بیابان رسانده است و چون وی از مریدان شیخ شرف‌الدین احمد بن یحیی منیری ساکن دهلی و پیشوای معروف طریقه چشتی متوفی در ۸۷۲ بوده است این کتاب را بنام مرشد خود شرف نامه احمد منیری نامیده و در زمان باریک شاه ابوالمظفر پادشاه بنگاله (۸۶۴-۸۷۹) میزیسته است .

۷۵ - محمود بن ضیاء الدین محمد متخلص به محمود که وی نیز از لغت نویسان هندوستان بوده و کتابی در لغت فارسی بنام تحفة السعاده یا فرهنگ اسکندری باسم سلطان سکندر نوشته و در دهم صفر ۹۱۶ بیابان رسانده است .

۷۶ - قاضی لطف‌الله بن ابویوسف حلیمی از لغت نویسان معروف خاک عثمانی و وی را تألیفات چندست از آن جمله کتاب القاسمیه یا فرهنگ حلیمی معروف بلغت حلیمی که ترکی بفارسیست و بحر الغرایب بنظم و نثر در لغت فارسی و عروض و قافیه و بدیع که قاسمیه خلاصه ای از آنست و نثار الملك شرح بحر الغرایب بنام بایزید بن سلطان محمد (۸۸۶-۹۱۸) نوشته و در ۸۷۲ بیابان رسانده است و وی در زبان فارسی شعر نیز می گفته و حلیمی تخلص می کرده است .

۷۷ - خطیب رستم مولوی از صوفیان ساکن قونیه از طریقه مولوی و از لغت نویسان خاک عثمانی بوده و شاعر نیز بوده است و از جمله مؤلفات اوست کتاب وسیلة المقاصد در لغت ترکی بفارسی که برای مولوی زادگان قونیه در ۹۰۴ تألیف کرده و نیز خلاصه ای در صرف و نحو فارسی بشعر ترکی نظم کرده است .

۷۸ - ابوالعلاء عبدالهؤمن جاروتی مشهور بصفی که وی نیز از فرهنگ نویسان خاک عثمانی درین زمان بوده و مؤلف کتابیست بنام مجموعة الفرس در لغت فارسی .

۷۹ - شیخ شرف الدین احمد بن یحیی منیری معروف باحمد منیری ساکن دهلی از مشایخ معروف قرن نهم هندوستان و پیشوای طریقه چشتیه در زمان

خود بود و در ۸۷۲ در گذشت و وی مکاتب بسیار بزبان فارسی بسیار سلیس و فصیح بمریدان و اصحاب خود نوشته و در دو مجموعه آنها را گرد آورده اند که هر يك شامل صد مکتوبست و بمکاتیب احمد منیری معروفست و درین مکاتیب بسیاری از مسائل تصوف را بیان کرده است.

۸۰ - **خواجه عمادالدین محمود بن شیخ محمد کیلانی معروف بمحمود قباوان یا غوان** که بیشتر بلقب خواجه جهان معروف بود یکی از مشاهیر نویسندگان و ادبای قرن نهم بشمار میرفته ، پدرانش از مردم کیلان و از وزرای آن سرزمین بوده اند و وی تا ۴۳ سالگی سفر بسیار کرده و سپس بدربار علاءالدین احمد دوم پادشاه بهمنی دکن متوفی در ۸۶۲ رفت و در سال ۸۶۰ پادشاه مزبور او را بجنکی فرستاد و در ۸۶۲ همایون شاه منصب و کیلی باو داد و پس از آن نظام شاه (۸۶۵ - ۸۶۷) او را وزارت داد و تا زمان محمدشاه بهمنی در مقام وزارت بود و محمد شاه وی را خواجه جهان لقب داد ولی در ۸۸۶ او را گشت . خواجه محمود از مشاهیر زمان خود بوده و ثروت بسیار و دارایی هنگفت داشته و مرد بسیار بخشنده ای بوده چنانکه از هندوستان صلوات گران برای دانشمندان ایران و خاک عثمانی میفرستاده و بهمین جهت در عصر خویش در همه کشور های اسلامی منتهای شهرت را داشته است و در ضمن دبیر بسیار توانا و پر کاری بوده و کتابهای چند در صنعت انشاء نوشته که همه معروف و رایجست از آن جمله ریاض الانشاء که بمنشآت خواجه جهان معروفست و کتاب مناظر الانشاء که معروفترین کتاب اوست و کتاب دیگری دارد بنام قواعد الانشاء .

۸۱ - **خواجه شهاب الدین عبدالله بن خواجه شمس الدین مروارید کرمانی متخلص ببیانی معروف بعبدالله مروارید** زیرا که پدرش زمانی مروارید بسیار درشت گران بهایی برای یکی از پادشاهان تیموری هدیه برده است . پدرش از کار گزاران بزرگ دربار تیموری بود و وی نیز در دربار سلطان حسین بایقرا بمقامات بزرگ رسید تا اینکه بوزارت برگزیده شد و چنان مقرب بود که در همه جنگها همراه بود و پس از مرگ سلطان حسین در ۹۱۲ از کارهای دولتی اعراض کرد و گوشه

نشین شد ولی باصرار شاه اسمعیل وزارت او را پذیرفت و درین زمان بنوشتن تاریخ سلطنت او آغاز کرد و چون آن را پایان رساند در سال ۹۲۲ بیماری آبله در گذشت. عبدالله مروارید یکی از معروفترین نویسندگان دوره تیموریست و مخصوصاً در انشای دیوانی شهرت بسیار داشته و خط را بسیار خوب مینوشته و از خوشنویسان معروف بوده و چنان در خط تسلط داشته است که با دست چپ هم خوش نویسی می کرده و در موسیقی نیز دست داشته و در زمان خود قانون را بهتر از همه کس می زده است و وی را بجز تاریخ شاه اسمعیل بنام تاریخ شاهی مؤلفات چندست از آن جمله مونس الاحباب مجموعه‌ای از اشعار و منشآت او که معروفست و نیز کتاب معروف ترسل که سابقاً در دبستان کبودکان خطوط مختلف و نامه نویسی را از آن می آموختند و بسیار رایج بود نیز از مؤلفات اوست.

۸۲ - احمد بن علی بن احمد مؤلف کنز اللطائف در انشاء که در دهم ربیع الثانی

۸۹۸ پایان رسانده است.

۸۳ - شجاع شیرازی که از بنی اعمام شاه شیخ ابو اسحق اینجو پادشاه

معروف فارس بوده و در سال ۸۳۰ کتابی در حکمت عملی یعنی اخلاق و سیاست و تدبیر منزل بتقلید قابوس نامه و سیاست نامه بنام «انیس الناس فی الاخلاق» بنام معیث - الدین ابوالفتح ابراهیم سلطان بن شاهرخ پایان رسانده و از شاگردان میر سید شریف کرگانی دانشمند معروف قرن هشتم بوده است.

۸۴ - محمد بن عبدالخالق بن معروف مؤلف کنز اللغه یا کنز اللغات در لغت

عربی بفارسی که بنام سلطان محمد کیا بن ناصر کیا از پادشاهان گیلان (۸۵۱-۸۸۳) و پسرش کار کیا میرزا علی (مقتول در ۹۱۱) پایان رسانده است و یکی از رایجترین کتابهای لغت نازی بفارسیست.

۸۵ - شهاب الدین محمد علی بن جمال الاسلام ملقب بشهاب منشی

مؤلف همایون نامه در انشای فارسی که بنام خواجه غیاث الدین پیر احمد وزیر نوشته است.



- ۸۶ - سلیمان بن مظفر حسینی منشی مؤلف شجرة السینیه لثمرة الیقینیه در خواص حرف سین که بنام عایشیر نوشته است .
- ۸۷ - علی درویش بن عثمان شاشی که از عرفای ماوراءالنهر بوده و مؤلف مفتاح التوحید خلاصه مثنوی مولویست .
- ۸۸ - قطب الدین عبدالله بن محیی بن محمود شیرازی جهرمی انصاری خزر جی سعدی معروف بعبدالله قطب یا قطب محیی از عرفای نیمه دوم قرن نهم و مقیم شیراز بوده و پس از سال ۹۱۰ در گذشته و مجموعه بزرگی از مکاتیب از و مانده که باصحاب خود در مسایل مختلف تصوف نوشته و در نسخهای کامل شماره آنها به ۷۸۳ میرسد و بنام مکاتیب عبدالله قطب معروفست .
- ۸۹ - علی بن عماد الدین استر ابادی معروف بابن عماد مؤلف رساله منظومه در مخارج حروف که در ۸۰۹ تألیف کرده است .
- ۹۰ - محمد بن محمود بن علی سبط ناصر الدین سمرقندی مؤلف رساله در اختلاف ابی بکر بن عباس و حفص در قرائت و رساله دیگر در قرائت عاصم که شاعر نیز بوده و منظومه ای در تجوید ساخته است .
- ۹۱ - محمد بن میرزا علی که کتاب مصباح کفعمی را در ۸۹۵ بنام مونس العابدین ترجمه کرده و بترجمه نیک بختیه نیز معروفست .
- ۹۲ - غیاث الدین علی عمران بن غیاث الدین علی بن علی بن علی امیران حسینی اصفهانی ساکن بدخشان که در سال ۸۷۹ کتابی شامل همه علوم زمان بنام دانش نامه جهان تألیف کرده است .
- ۹۳ - ابوالحسن صاعد بن علی همرگانی متوفی در ۸۸۱ که کتابی در جغرافیا بنام مسائلک ممالک یا عجایب البلدان پس از مرگ شاهرخ ( متوفی در ۸۵۰ ) تألیف کرده است .
- ۹۴ - خواجه عبدالقادر بن غنی حافظ مراغی معروف بعبدالقادر گوینده مشهور ترین علمای موسیقی قرن نهم بود و آواز را بسیار خوب میخواند و بهمین جهت

بگوینده معروف شده و برخی از سازهارا بسیار خوب میزده و در ضمن از خوشنویسان معروف زمان خود بوده است. نخست در دربار سلطان احمد جلایری (مقتول در ۸۱۳) بوده و سپس بدربار تیموریان رفته و چندی در دستگاه تیمور و میرانشاه و شاهرخ و بایسنغر بوده است و چندین کتاب بسیار سودمند در موسیقی نوشته از آن جمله : جامع الالجان که در ۸۱۶ پایان رسیده و بنام شاهرخ نوشته و مقاصد الالجان که در ۸۲۱ پایان رسیده و خلاصه ای از کتاب جامع الالجانست و بنام بایسنغر نوشته و کتزالالجان و زبنة الادوار در شرح رساله ادوار تألیف صفی الدین ارموی و فواید عشره .

۹۵ - رستم بن سالار بن محمد بن سالار مؤلف خلاصه الادوار فی مطالب الاحرار

که در ۸۵۸ تألیف کرده است .

۹۶ - محمد منصور مؤلف گوهر نامه سلطانی در معرفت اجسام معدنی که بنام

سلطان حسن بهادرخان معروف باوزون حسن ( ۸۲۱ - ۸۸۳ ) تألیف کرده است .

۹۷ - فتح بن احمد بن محمود شهرستانی سبزواری مؤلف تحفة الائمة العلیه

فی الحکمة العملیه .

۹۸ - وحیدالدین ابوالحسن محمد بن زین الدین حاجی بن احمد معروف

به میرجان اسفر غابادی مؤلف حدائق الدقایق در تصوف و در شرح سخنان مرشد خود

جلال الدین محمود و کتاب روضة الاصحاب در احوال خلفای اربعه . وی نخست در ۹۰۷

در بغداد بوده و سپس بخراسان باز گشته و این کتاب دوم را در آنجا در ۹۴۴ تألیف

کرده است .

۹۹ - عبدالله بن عبدالحی بن علی حسینی اسحاقی مؤلف عین الشفاء یا

عجلة سماعیه در تصوف .

۱۰۰ - حسین بن اسمعیل قاسمی حسینی مؤلف شرحی بر گلشن راز .

۱۰۱ - امیر جعفر طغرائی مؤلف انیس العارفين در تصوف که بعدها آنرا برای

علی پاشا وزیر پادشاهان آل عثمان خود بشرکی ترجمه کرده است .

۱۰۲ - عبدالعزیز ابهری متوفی در حدود ۸۹۵ مؤلف شرح مصابیح السنة امام

بغوی بنام منهاج المشكاة که در ۸۹۱ بنام امیر علیشیر تألیف کرده است .

۱۰۳ - مولی شمس الدین محمد تبادگانی طوسی که از صوفیه معروف خراسان

بوده و در ۸۹۱ در گذشته و مؤلف در حیات بر منازل السائرین عبدالله انصاری بنام تستیم المغربین فی شرح منازل السائرین .

۱۰۴ - مولانا عبدالکریم که تا حدود ۹۰۰ زنده بوده و حاشیه‌ای بفارسی

بر شرح حکمة الاشراف تألیف علامه قطب الدین شیرازی نوشته است .

۱۰۵ - ابوالقاسم لیشی مؤلف شرح فارسی بر رساله فی الوضع تألیف عضدالدین

ایبجی که در ۸۸۸ پایان رسانده است .

۱۰۶ - شیخ ابراهیم بن حسین تنوری سیواسی متوفی در ۸۸۷ که از صوفیه

خاک عثمانی بوده و کتابی در تصوف بنام گلزار نامه نوشته است .

۱۰۷ - یار علی شیرازی که شرحی بر کتاب لمعات فخرالدین عراقی بنام

اللهمجات نوشته است .

۱۰۸ - عبدالغفار بن اسحق مؤلف رساله ای در حوادث طبیعی .

۱۰۹ - هبة الله حسینی معروف بشاه میر مولف کتاب آداب سلطنت که

از ۸۸۳ تا ۸۹۸ مشغول تألیف آن بوده است .

۱۱۰ - خواجه محمد موسی ده بیدی متوفی در ۸۰۵ از مشایخ طریقه نقشبندی

بوده و مؤلف رساله فی طریقه النقشبندیه و کتاب نوادر المعارف .

۱۱۱ - محمد جامی بن محمد بن شیخ محمد جامی که در حدود سال ۸۳۵

در زمان شاه رخ کتابی بنام ریاض الصالحین تألیف کرده و آن مجموعه ای از همه علوم متداول آن زمانست .

۱۱۲ - خواجه ناصرالدین عبیدالله سمرقندی معروف بعبدالله احرار

یکی از بزرگترین مشایخ نقشبندیه در قرن نهم بوده و در باره او کرامات بسیار آورده اند و در روستای کماگران یا کوماگران نزدیک شهر سمرقند می زیست و در آنجا در ۸۹۵ در گذشت و قبرش هم اکنون در سمرقند زیارتگاهست و مولانا محمد قاضی که از اصحاب

او بوده کتابی در مناقب وی بنام سلسلة العارفين و تذكرة الصديقين نوشته است و وی را در تصوف تألیفات بسیارست از آن جمله کتاب تحفة الاحرار که از کتابهای معروف فن بشمار میرود و دو رساله در تصوف و رساله والديه و رساله حورائیه شرح رباعی ابوسعید ابوالخیر و رساله کلیات .

۱۱۳ - نظام نامی که داستان بوداسف و بلوهر را در ۸۱۰ بنام سلطان احمد جلایر بفارسی ترجمه کرده است .

۱۱۴ - اویس بن غیاث الدین محمد رستمذاری مؤلف گنجینه راز .

۱۱۵ - علی بن ابی سعید کهجی که از عرفای آرزمان بوده و در ۸۷۷ کتابی در احوال مشایخ صوفیه بنام «تذكرة المشایخ» تألیف کرده است .

۱۱۶ - محمد بن نصیر الدین جعفر حسینی مکی که از عرفای سلسله چشتیه بوده و کتابی در تصوف بطریقه خود بنام «بحر المعانی» نوشته که در ۸۲۴ و ۸۲۵ آنرا تألیف کرده است .

۱۱۷ - شیخ زین الدین ابوبکر خوافی از بزرگترین مشایخ و عرفای نامی ایران در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم و از پیشروان طریقه سهروردی و مرید شیخ نورالدین عبدالرحمن قریشی مصری بوده و مرد دانشمند و عارف پارسایی بشمار میرفت و در پایان زندگی حال جذبه ای دروید آمد و همواره خاموش بود و سرانجام در سال ۸۳۳ یا ۸۳۴ و یا شب یکشنبه دوم شوال ۸۳۸ بطاعون در گذشت و نخست او را در قصبه بالین بخاک سپردند سپس جنازه او را بدروش آباد بردند و پس از آن نزدیک عید گاه هرات بخاک سپردند و خواجه غیاث الدین پیر احمد خوافی عمارت عالی بر سر خاک او ساخت . وی شعر فارسی را خوب می گفته و نیز مؤلفاتی در تصوف بزبان فارسی و تازی دارد و از آن جمله کتابی بنام نهج الرشاد .

۱۱۸ - یعقوب بن عثمان بن محمود بن محمد غزنوی چرخي معروف بیهقوب چرخي نقشبندی از اصحاب بهاءالدین نقشبند و از پیشوایان معروف سلسله نقشبندیه بوده در دهی بنام چرخ نزدیک غزنین ولادت یافت و چندی در شیراز ساکن

بود و سرانجام در حصار شادمان در ۸۵۱ در گذشت و عبیدالله احرار شارف مشهور این قرن خلیفه و جانشین او بوده است و وی را در زبان فارسی تألیفات چندست از آن جمله تفسیری که بنام تفسیر یعقوب چرخ می‌معروفست و در ۸۵۱ بیان رسانیده و رساله انسیه در تصوف و کتاب روایح و شرح رباعیات .

۱۱۹ - شهاب الدین بن شمس الدین عمر زاوولی دولت آبادی از مردم

دولت آباد دکن بود و در جوانی در دهلی زیسته و در آنجا دانش آموخته است . سپس در زمان استیلای امیر تیمور به هندوستان از دهلی بجنوبور رفت و در دیار ابراهیم شاه شرقی (۸۰۴ - ۸۴۴) اعتبار یافت و قاضی آن دیار شد و سپس بمقام ملک‌العلمایی رسید و در حدود ۸۴۹ در گذشت . وی را بزبان تازی و پارسی مؤلفات چندست از آن جمله حواشی بر کافیه بنام الارشاد و شرح اصول بزودی و بحر مواج در تفسیر فارسی که بنام همان پادشاه نوشته است .

۱۲۰ - جلال الدین محمد بن عبدالدین اسعد دوانی کازرونی معروف

بعلامه دوانی یکی از بزرگان علمای ایران و معروفترین دانشمندان قرن نهم بشمار میرفته و چون آخرین کسیست از بزرگان علمای این کشور که جامع همه علوم زمان خود بوده شهرت و امتیاز خاص دارد . پدرش قاضی دوان قصبه‌ای نزدیک کازرون بود و وی در آنجا بسال ۸۳۰ ولادت یافت و نخست نزد پدر دانش آموخت و سپس برای تکمیل معلومات خود بشیراز رفت و در مدرسه مولانا محیی الدین گوشه کنار و مولا حسن شاه بقال معلومات خود را تکمیل کرد و نیز از شاگردان مولانا همام الدین گلباری مؤلف شرح طوابع بوده و در حدیث از شاگردان شیخ صفی الدین الچینی بوده است . در جوانی چندی وزیر یوسف بن جهان‌شاه شاهزاده قرا قوینلو بوده است و سپس در مدرسه بیگم که بعدها بنام دارالایتم معروف شده است تدریس کرده و سالها مدرس آن مدرسه بوده و در ضمن سفرهایی بگیلان و کاشان و بین‌النهرین کرده و چون پادشاهان آق قوینلو فارس را گرفتند قاضی فارس شد و مخصوصاً احمد پادشاه وی را بسیار گرامی میداشت و سلطان محمد آل عثمان برای او هدایا و تحف می‌فرستاد و چون قاسم بیگ پرناک

بر فارس استیلا داشت بواسطه دشمنی که در میان او و احمد پادشاه بوده او را در بند افکند و مال بسیار از او گرفت و سر انجام از بند رها شد و در ۹۰۵ بلاروجرون رفت و چون ابو الفتح بیک بایندر شیراز را گرفت از آنجا بکازرون رفت و در راه در پل آبگینه باردوی ابو الفتح بیک رسید و او بوی احترام بسیار کرد و پس از چند روز در ماه رجب ۹۰۸ سالگی باسهاال در گذشت و جنازه او را بنوان بردند و در جوار شیخ علی دوانی بنحاک سپردند و اکنون قبر او در دوان معروف و زیارتگاهست. تاریخ رحلت او را بخط ۹۰۷ و ۹۰۹ و ۹۲۰ هم نوشته اند ولی قطعاً در ۹۰۸ در گذشته است. علامه دوانی در همه علوم زمان خود دست داشته و در بسیاری مؤلفات در میان بزرگان ایران امتیاز دارد و شعر فارسی را نیز خوب می گفته و در نثر فارسی قدرت کامل داشته و یک سلسله کتاب و رساله بزبان فارسی و تازی در علوم مختلف نوشته که فهرست آنها بترتیب حروف هجا ازین قرارست: اثبات الواجب قدیم، اثبات الواجب جدید که در کیلان نوشته، انموذج العلوم یا موضوعات العلوم که در ده علم برای سلطان محمود نوشته است، بستان القلوب، تفسیر سورة التوحید، والاخلاص، تفسیر سورة قل یا ایها الکافرون که در ۹۰۵ در بندر جرون پایان رسانده، تفسیر آیه یا بنی آدم خنوا زینتکم عنه، تفسیر اسماء الحسنی، تعلیقه علی الانوار لعمل الابرار اردبیلی، تفسیر قلاقل (جمع قل زیرا که سورة الکافرون والاخلاص والمعوذتین را شرح کرده و این سه سوره را باهم قلاقل میگویند)، تعریف العلم، حاشیه بر شرح تجرید ملا علی قوشچی، حاشیه قدیم تجرید الکلام، حاشیه جدید تجرید الکلام، حاشیه اجد تجرید الکلام، حاشیه مطالع در منطق بر حاشیه میرسید شریف گرگانی، حاشیه شمسیه منطق دبیران، حاشیه انوار شافیه، حاشیه بر اشارات، حاشیه بر تهذیب منطق، حاشیه بر شرح عضد الدین ایجی بر منتهی السوال والامل ابن حاجب، حکمة العین، حواشی بر شرح آداب از شمس الدین محمد بن اشرف حسنی سمرقندی تألیف کمال الدین مسعود شروانی، حاشیه بر شرح تجرید، رساله در معنی عدالت بفارسی، رساله دیوان مظالم بفارسی، رساله عرض یا عرض نامه بفارسی، رساله در بعضی از سوانح وقت بفارسی معروف بصیحه و صدا، رساله در اثبات تکلم خدا،

رسالة فی معنی قوله انا النقطة تحت الباء، ردبر رساله در تحقیق محکوم علیه بودن حرف از ابواسحق قاضی شبانکاره، رساله فی اعتراضات عشره در تعریف مختار بعلم از خطیب زاده و جواب آن ازدوانی، رساله فی افعال العباد در جواب سؤالات سعدالدین محمد استرآبادی که در سفر کاشان نوشته، رساله افعال الله سبحانه و تعالی که در ۹۰۳ تألیف کرده، رساله فی ایمان فرعون، رساله فی التشبیہات الواقعه فی دعاء الصلوة، رساله جبر و اختیار، رساله التهللیه در شرح لا اله الا الله که بنام اوزون حسن (۸۷۱-۸۸۳) نوشته، رساله المحوراء والزوراء که در ۸۷۲ بیان رسانده، رساله فی مسئله خلق الاعمال که بنخواست سعدالدین محمد استرآبادی در سفر کاشان نوشته، رساله العشریه که با مولی ابن المؤید نام برای سلطان بایزید آل عثمان فرستاده است، رساله فی علم النفس، رساله فی مسائل الفنون، رساله قلمیه، رساله در تعریف کلام موافق عضدالدین ایبجی، رساله الزوراء که در روضه امیر المؤمنین علی (ع) یکروز سر یا ایستاده و نوشته است، سواد العین، شرح هیا کل النور در حکمت اشراق، شرح بر زوراء، شرح تهذیب المنطق و الکلام تفتازانی، شرح رساله فی جوهر المفارق نصیرالدین طوسی، شرح عقاید العضدیه بفارسی که در ربیع الاول ۹۰۵ در جرون نوشته و آخرین تألیف اوست، شرح سی فصل خواجه نصیرالدین طوسی، شرح کلمتی الشهاده، شرح دیباچه طوابع الانوار بیضاوی، شرح قصیده الثائیه فی احوال النفس از ابوعلی بغدادی، شرح رباعیات، شرح غزلی از حافظ، شرح بیتمی از حافظ، شرح بیتمی از گلشن راز، طبقات الجلالیه شامل حواشی شرح جدید تجرید و حاشیه شرح مطالع و چند رساله در جوابهای میر صدرالدین شیرازی که در میان نشان ردوبدل شده، العشر الجلالیه رد بر میر غیاث الدین منصور بن محمد شیرازی در مجموعه الرسائل، نوامع الاشراق فی الحکمة العملیة والمنزلیة والمدنیة فی مکارم الاخلاق که برای نصره الدین حسن بیک (۸۷۱-۸۸۲) نوشته و بنام اخلاق جلالی معروفست و رایجترین کتاب فارسی او و در ضمن یکی از معروفترین کتابهای اخلاق بزبان فارسیست.

۱۲۱ - قاضی میر حسین بن معین الدین حسینی ترمذی میبدی متخلص

بمنطقی معروف بقاضی میبدی مشهورترین شاگردان علامه دوانی و یکی از علمای

نامی قرن نهم ایران بوده و در جوانی در شیراز به تحصیل دانش اقامت داشته و سپس بعید نزدیک یزد و لادنکاه خود بازگشته و در آنجا منصب قضاوت یافته و سپس قاضی یزد شده و در ضمن متصدی اوقاف آن شهر بوده و سرانجام در سال ۹۰۹ شاه اسمعیل بواسطه اختلاف عقیده دینی که با او داشت وی را کشت و اینکه برخی رحلت او را در ۸۷۰ یا ۹۱۰ نوشته اند درست نیست. قاضی میبدی گذشته از اینکه شعر فارسی را خوب می گفته در نشر فارسی نیز نویسنده زبردستی بوده و یک عده مؤلفات معروف بفارسی و عربی دارد، معروف ترین تالیف او شرحیست که بر دیوان امام علی بن ابی طالب (ع) نوشته و بشرح دیوان حضرت امیر معروفست و در ماه صفر ۸۹۰ بیابان رسانده است و دیباچه مفصلی بمذاق صوفیه بر آن نوشته که گاهی آنرا جدا گانه نوشته اند و بنام «فوائج» نامیده اند. کتاب معروف دیگر او شرحیست بتازی بر هدایه اثیری که از کتابهای بسیار رایجست و دیگر از مؤلفات اوست: حاشیه شمسیه در منطق، شرح حکمة العین، حاشیه بر طوابع در کلام، رساله در فن غریب معما، شرح کافیه فی النحو ابن حاجب بنام مرضی الرضی، شرح گلشن راز بفارسی، جام گیتی نما در حکمت بفارسی که در حلب بنام سلطان سلیمان آل عثمان (۹۲۶ - ۹۷۴) تالیف کرده است، معنیات، منشآت.

۱۲۲ - عبدالمؤمن بن صفی الدین بن عزیز الدین بن محیی الدین بن نعمت که نسبش بقاموس و شمگیر کرکائی پادشاه معروف آل زیار میرسیده از موسیقی دانان قرن نهم بود و کتابی در موسیقی تالیف کرده است بنام «بهجة الارواح».

۱۲۳ - علامه غیاث الدین جمشید بن مسعود بن محمود طبیب کاشانی یکی از معروفترین علمای ریاضی قرن نهم بوده و در ۸۲۹ مسطره ای برای مساحات و مهندسی اختراع کرده است و الخ بیک رصدخانه سمرقند را که ساخت و جمعی از علمای ریاضی را بآنجا جلب کرد وی را نیز بآنجا برد و در ۸۴۱ در تالیف زیج الخ بیک شرکت کرد ولی در همین اثنا در گذشت و اینکه برخی رحلت او را در سال ۸۳۲ نوشته اند با شبهه رفته اند. غیاث الدین جمشید بزبان تازی و فارسی مؤلفات بسیار در علوم



ریاضی دارد از آن جمله است: مفتاح الحساب که برای الغ بیک تألیف کرده، رساله در ساختن اسطرلاب، زیج، تلخیص المفتاح که مختصری از همان مفتاح الحساب است، رساله در ابعاد و اجرام سماوی، رساله استخراج جیب یکدرجه، زیج خاقانی، سلم السماء فی اشکال ما وقع للمنجمین فی الابعاد والاجرام، تزهة الحقایق در تقویم کواکب. ۱۲۴ - یعقوب بن محمد بن علی طاوس که از علمای ریاضی قرن نهم بوده و کتابی بنام کنه المراد فی وفق الاعداد تألیف کرده و سپس رساله حساب خود را بفارسی از آن استنباط کرده است.

۱۲۵ - فصیح الدین بن عبدالکریم نظامی متوفی در ۹۱۹ نیز از علمای ریاضی این قرن و از نزدیکان سلطان حسین بایقرا و علیشیر بود و چندین شرح بر کتب ریاضی و هیئت نوشته و از آن جمله است قطع الانوار، شرح بیست باب خواجه نصیرالدین طوسی که بنام امیر علیشیر تألیف کرده است و رساله در اسطرلاب.

۱۲۶ - مولانا زین الدین یا علاء الدین علی بن محمد قوشچی معروف بملاعلی

قوشچی از بزرگان علمای هیئت و ریاضی قرن نهم و یکی از معروفترین علمای ریاضی ایران بوده است. پدرش از درباریان الغ بیک بوده و وی نیز از جوانی در خدمت وی بسیار مقرب بوده چنانکه او را پسر خطاب می کرده است و در دربار او منصب قوشچی داشته و بهمین جهت بملاعلی قوشچی معروف شده و در ریاضیات شاگرد صلاح الدین موسی معروف بقاضی زاده رومی عالم معروف ریاضی آن زمان بوده است و از سمرقند برای تحصیل دانش بکرمان رفت و شرح تجرید خواجه نصیر را درین سفر تألیف کرده است و چون بسمرقند باز گشت الغ بیک او را مامور رصدخانه آن شهر که در ۸۲۳ ساخته بودند کرد و درین زمان در حرکات قمر تحقیقاتی کرده است و پس از کشته شدن عبداللطیف از سمرقند بتهرین رفت و نزد سلطان حسین آق قوینلو مقرب یافت و از جانب او مأوریت بدربار سلطان محمد فاتح بخاک عثمانی رفت و در آنجا رساله هیئت خود را تألیف کرده و در ۸۷۹ در شهر استانبول در گذشته است و اینکه برخی رحلت او را در ۸۹۷ نوشته اند درست نیست. ملاعلی قوشچی یک عده کتب و رسایل در ریاضیات

و حکمت و غیره تألیف کرده که مهمترین آنها بدین گونه است :

رساله در حساب ، رساله در هیئت معروف بفارسی هیئت ، شرح تجرید العقاید  
 خواجه نصیرالدین طوسی که در کرمان بنام ابو سعید تألیف کرده ، رساله فی حل اشکال  
 القمر که در بازگشت از کرمان بمرقند برای الغ بیک هدیه برده است ، رساله ما  
 اناقلت من عبارات مطول ، رساله المحمدیه فی الحساب که بتوسط رسول سلطان محمد  
 فاتح از تبریز برای او فرستاده ، رساله فی موضوعات العلوم ، تعلیقه بر رساله الوضع  
 قاضی عضدالدین ایجی ، سلم السماء شرح زیج الغ بیک که معروفترین تألیف اوست ،  
 شرح شافیه ابن الحاجب بفارسی ، عنقود الزواهر فی نظم الجواهر در تشریح ، رساله  
 فتحیه یا مقتضیه بتازی در هیئت که در جنگ اوزون حسن با سلطان محمد فاتح  
 تألیف کرده است ، قانون نامه چین و ختا که در سفری که از جانب الغ بیک بختای  
 رفته مشاهدات خود را نوشته است ، شرح کافیه فی النحو ابن حاجب بفارسی ، محبوب  
 الحمایل فی کشف المسایل ، مسرة القلوب فی دفع الکروب در هیئت .

۱۲۷ - نظام الدین عبدالقادر بن حسن رویانی لاهیجی از علمای ریاضی و

هیئت و از شاگردان ملاعلی قوشچی بود و جد اول زیج الغ بیک را بطول لاهیجان  
 تحویل کرده و نخست در گیلان می زیسته و سپس بدربار سلطان حسین بایقرا رفته  
 و از آن پس در هرات معلم مدرسه شاه بوده و همانجا در ۹۲۵ در گذشته است . وی  
 مؤلف چند کتاب در ریاضی و هیئت و نجومست از آن جمله : تحفه نظامیه در حساب که  
 بنام نظام الدین سلطان یحیی کیا در حدود ۸۷۰ تألیف کرده ، زیج ملخص میرزایی  
 که در ۸۷۹ بنام سلطان میرزا علی از پادشاهان گیلان ترتیب داده و آنرا  
 ملخص میرزایی نام گذاشته و سپس این زیج را در حدود ۸۹۱ پایان رسانده است .

۱۲۸ - حسین بن محمد زیدی حسینی از منجمان جنوب ایران بوده و مؤلف

کتابیست بنام دستور المنجمین که بنام نصره الدین ساغر شاه بن تورانشاه از ملوک هرمز  
 که از حدود ۸۴۰ تا ۹۲۷ پادشاهی کرده پایان رسانده است .

۱۲۹ - احمد بن حیدر بن محمد شیرازی مؤلف رساله در اسطرلاب که در

۸۶۷ تالیف کرده است .

۱۳۰ - محمد علی حسینی مؤلف قواعد العمل در حساب .

۱۳۱ - سید رکن الدین بن شرف الدین حسین حسینی آملی نیز از علمای ریاضی

و منجمان این قرن بوده و در روز پنجشنبه ۲۲ ذی حجه ۸۰۰ ولادت یافته و در سال

۸۴۲ در شیراز بوده و سپس بندر بار سلطان حسین بایقرا بهرات رفته و کتابهای چند

در ریاضیات و هیئت نوشته از آن جمله : پنجاه باب سلطانی در اسطرلاب که در هرات

در ۶ ربیع الاول ۸۶۰ پایان رسانیده و زیج جامع سعیدی در تنقیح زیج ایلخانی خواجه

نصیر الدین طوسی که در ۸۶۰ بنام ابو سعید گورکان پایان رسانیده است .

۱۳۲ - شمس المعالی محمد کیاگرگانی مؤلف رساله در رفع شبهه ممان

شدن زحل بکره ثوابت و مفتاح بیست باب اسطرلاب خواجه نصیر الدین طوسی که در

۸۱۷ تالیف کرده است .

۱۳۳ - بدر طبری مؤلف شرح سی فصل خواجه نصیر الدین طوسی که در ۸۲۴

تالیف کرده و حواشی بر اقلیدس .

۱۳۴ - عماد الدین بن جمال الدین بخاری از علمای ریاضی معاصر الخ بیک

بوده و کتابی در تسهیل قمر تالیف کرده است .

۱۳۵ - نظام الدین بن حبیب الله حسینی مؤلف شرح بیست باب خواجه نصیر الدین

طوسی در اسطرلاب که در ۸۷۳ تالیف کرده است .

۱۳۶ - حسین خطابی منجم و قطب که در نجوم و طب و حساب دست داشته

و مؤلف کتابیست بنام تحفة الحساب که در ذی قعدة ۸۹۵ بنام سلطان یزید بن سلطان

محمد فاتح پایان رسانده است .

۱۳۷ - مولانا محمود بن محمد معروف بمیرم که مؤلف کتابیست بنام دستور

العمل فی تصحیح الجدول و آن شرحیست بر زیج الخ بیک که در رجب ۹۰۴ بنام سلطان

با یزید پایان رسانده است .

۱۳۸ - محمود بن محمد بن قوام اردستانی مؤلف غیاثیه در هیئت که برای

غیاث‌الدین سید احمد هروی تالیف کرده است .

۱۳۹ - محمد بن سلیمان بر سوی معروف با قزاقان از علمای ریاضی خاڪ

عثمانی بوده و مولف شرحیست بر بیست باب خواجہ نصیرالدین طوسی که بنام سلطان بایزید دوم (۸۸۶-۹۱۸) نوشته است .

۱۴۰ - علاء کرمانی که وی نیز از علمای ریاضی خاڪ عثمانی بوده و رساله‌های

در تصنیع اسطرلاب بنام همان سلطان با یزید تالیف کرده است .

۱۴۱ - محمود بن قوام قاضی و الشثانی معروف بمحمود هروی هیوی

مولف کتابی در هندسه بنام فواید جمالی که برای سلطان جمال الدین حسین نوشته و آن ترجمه‌ایست از رساله عربی شمس الدین سید حکیم سمرقندی بنام اشکال - التاسیس که در ۵۹۳ تالیف شده و نیز رساله الغیایه را تالیف کرده و در حدود ۸۶۲ می زیسته است .

۱۴۲ - علی بن احمد قاضی شوشتری که فالنامه یا قرعه‌نامه منسوب بامام علی

ابن موسی الرضا را ترجمه کرده است .

۱۴۳ - ابن معین مولف فردوس التواریخ که در ۸۰۸ تالیف کرده است .

۱۴۴ - ابوالمحاسن حسین بن حسن گرغانی از علمای شیعه اواخر قرن نهم و

اوایل قرن دهم بوده و مولف تفسیریست بفارسی بنام جلاء الازهان که یکی از معروفترین کتابهای تفسیر بزبان فارسیست .

۱۴۵ - سیده‌عین الدین محمد بن عبدالله بن محمد ایچی حسنی حسینی صفوی

که در ۸۳۲ در ایچ فارس متولد شده و در حدود ۹۰۵ در گذشته و دو کتاب بفارسی از او مانده است یکی شعب الایمان در اخبار و دیگر جامع البیان فی تفسیر القرآن .

۱۴۶ - فتح‌الله بن احمد بن محمود شهرستانی مولف تحفة الائمة العلیه فی

الحکمة العملیه .

۱۴۷ - خواجہ محمد موسی ده‌بیدی نقشبندی از مشایخ طریقه نقشبندی

بوده و در ۸۰۵ در گذشته و تالیفات چند در تصوف دارد از آن جمله رساله فی بیان طریقه نقشبندیه و نوادر المعارف .

۱۴۸ - امیر جعفر طفرایی که از متصوفه خاگ عثمانی بوده و مولف کتابیست در تصوف بنام انیس العارفین که بخواهرش علی پاشا از وزرای پادشاهان آل عثمان نوشته و خود آنرا بترکی ترجمه کرده است .

۱۴۹ - جمال الدین محمد بن محمود شهرستانی مولف رساله‌ای در منطق

۱۵۰ - قوام الدین یوسف بن حسن حسینی رومی معروف بقاضی زاده از دانشمندان مقیم خاگ عثمانی که پس از ۹۰۰ در گذشته است و مولف کتابیست بنام احکام السلاطین .

۱۵۱ - مولی شکر الله بن احمد که وی نیز در خاگ عثمانی مقیم بوده و در ۸۶۴ در گذشته و مؤلف کتابیست بنام منهج الرشاد که بنام سلطان محمد فاتح بیابان رسانده است .

۱۵۲ - امام عماد الدین ابوالمظفر بن ظهیر الدین محمد اسفرائینی ملقب بشاهنور متوفی در ۸۷۱ مولف تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم .

۱۵۳ - میر شمس الدین محمد بن شریف حسینی گرگانی پسر میرزا سید شریف گرگانی دانشمند معروف قرن هشتم بوده و در ۷۰۴ ولادت یافته و در شیراز می زیسته و در ۸۱۶ یا ۸۳۶ در گذشته و ظاهراً درست‌ترین تاریخ رحلت او ۸۳۶ است . وی از علمای نامی زمان خود بوده و در همه علوم متداول زمان دست داشته و کتابهای چند در فنون مختلف بزبان‌های تازی و پارسی نوشته است از جمله دو رساله پدرش را در منطق که بکبری و صغری معروفست بنام دره و غره بفارسی ترجمه کرده و دیگر از مولفات اوست: شرح هدایه اثیریبه ، حاشیه بر شرح قدیم تجرید ، شرح ارشاد الهادی تقی‌تازانی که در ۸۲۳ در شیراز تالیف کرده ، شرح فواید الغیایه قاضی عضدالدین ابیجی در معانی و بیان .

۱۵۴ - عبد الرزاق بن عبد الکریم بن عبد الرزاق طیب کرمانی مولف کتاب شفاء الاسقام در طب که بنام علیشیر تالیف کرده است .

۱۵۵ - محمود بن محمد دلشاد شروانی اصلاً از مردم آذربایجان بوده و بخاگ عثمانی رفته و در آنجا ساکن شده و در طب و معنیات دست داشته و کتاب مختصری

در طب نوشته و نیز کتابی بنام کمال نامه که در ۸۴۱ بیابان رساننده و کتاب دیگری بتوکی در جواهر بنام تحفة مرادی که برای سلطان مراد آل عثمان بیابان رساننده است .

۱۵۶ - غیاث الدین محمد بن علاء الدین هبة الله سبزواری معروف بغیاث طیب مولف قوانین العلاج در طب که در ربیع الاول ۸۷۱ بیابان رساننده و سپس خلاصه‌ای از آن بنام زبدة قوانین العلاج پرداخته است .

۱۵۷ - نظام متشهی نیز از پزشکان قرن نهم بوده و کتابی در طب بنام گنج اسرار باسم مجیر الدین ابوالمعالی محمد بن معتز بن معروش طاهر در ۸۲۶ تالیف کرده و رساله‌ای در حسن زنان نوشته است .

۱۵۸ - غیاث الدین بن محمد متطبب اصفهانی از پزشکان مقیم خاگ عثمانی مولف مرآت الصحه که بنام سلطان با یزید دوم آل عثمان در ۸۹۶ تالیف کرده است .

۱۵۹ - بهاء الدین بن میر قوم الدین قاسم نوربخشی رازی که لقب او را برخی بهاء الدوله نوشته اندولی ظاهراً بهاء الدین درست ترست و چنان مینماید که وی پسر سید شاه قاسم نوربخشی پسر سید محمد نوربخش مؤسس معروف طریقه نوربخشی در تصوف بوده باشد که خلیفه و جانشین پدر بوده و در طریقت لقب فیض بخش را اختیار کرده و در سال ۸۸۱ در گذشته است و میر بهاء الدین مولف کتابیست در طب بنام خلاصه التجارب که در طرشت نزدیک ری (همان قصبه‌ای که در مغرب طهران بنام درشت معروفست) در سال ۹۰۷ تالیف کرده است .

۱۶۰ - خواجه صابن الدین علی تر که اصفهانی از مشاهیر حکمای صوفی مشرب قرن نهم بوده نخست در اصفهان می‌زیسته و بتدریس و تالیف می‌پرداخته و سپس قاضی یزد شده و در آن زمان بدخواهانش از برخی مطالبی که در تالیفات خود آورده است باو تهمت بد دینی زدند و بهمین جهت شاهرخ وی را بهرات خواند و علمای هرات نیز او را تکفیر کردند بجز رکن الدین داود خوافی مؤلف حاشیه بر شمسیه منطبق که

از شرکت درین کار بخود داری کرد و وی از ناچاری منکر گفتار خود شد و سرانجام در هرات در ۴ ذیحجه ۸۳۰ یا ۸۳۵ در گذشت و بازماندگان او که جزو علمای معروف بوده اند پس از وی تا قرن یازدهم در اصفهان می زیسته و بیشتر منصب قضاوت آن شهر را داشته اند. وی را بزبان فارسی در علوم مختلف و مخصوصاً در حکمت و تصوف مولفات بسیار است از آن جمله شرح فصوص الحکم و کتاب مفاحص و رساله اسرار الصلوة و شرح قصیده ابن الفارض وضوء اللامعات در شرح لمعات و اطوار صوفیه یا اطوار ثلاثه و منظومات صاینیه و رساله نقطه و جواب مکتوب امیر رضا.

۱۶۱ - صدرالدین امینی هروی از مورخان اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و از شعرای نامی زمان خود بشمار میرفته و مؤلف کتابیست در تاریخ اوایل سلطنت شاه اسمعیل صفوی که بنام «فتوحات امینی هروی» معروفست و ظاهراً آثار قایم سال ۹۱۶ را دربردارد.

۱۶۲ - نظام بن کمال بن جمال بن حسام هروی نوه جمال الدین محمد بن حسام هروی معروف با بن حسام شاعر معروف قرن هشتم بوده و وی نیز با بن حسام شهرت داشته است و مؤلف شرحیست بر نصاب الصبیان منظومه معروف ابونصر فراهی در لغت تازی پیارسی.

۱۶۳ - محمد بن جلال بن سلیمان قهستانی که وی نیز شرحی بر نصاب الصبیان نوشته و ظاهراً در قرن نهم می زیسته است.

۱۶۴ - عبدالکریم محمد بن فصیح بن محمد دشت بیاضی که او نیز شرح دیگری بر نصاب الصبیان نوشته و ظاهراً وی هم در قرن نهم می زیسته است.

۱۶۵ - حسن بن محمد شاه فناری از خاندان معروفی از دانشمندان خاندان عثمانی بوده و چون جدش از مردم «فنار» محله یونانیان استانبول بوده است. خاندان او با این نام معروف شده اند و چندتن از دانشمندان معروف دربار عثمانی ازین خاندان بوده اند از آن جمله جدش شمس الدین محمد بن حمزه فناری متوفی در ۸۳۴ و پدرش محمد شاه ابن شمس الدین فناری متوفی در ۸۴۹ و برادرش زین الدین محمد بن محمد شاه و پسر

علاء الدین علی بن یوسف بن شمس الدین و دو پسر او محیی الدین محمد بن علی بن یوسف بن شمس الدین و محیی الدین پیر محمد بن علاء الدین علی فناری ازین خانواده معروفند و وی بنام حسن چلبی نیز معروف بوده زیرا که از پیروان طریقه مولوی در استانبول بشمار میرفت و وی مردی دانشمند و پارسا بود و همه عمر خود را وقف دانش و عبادت کرده است و از شدت پارسایی جامه خشن می پوشیده و بر چهارپایان نمی نشسته و با تهی دستان و صوفیان نشست و برخاست داشته و نخست در شهر ادرنه ساکن و مدرس مدرسه حلبیه آن شهر بوده و برای تحصیل دانش از سلطان محمد دوم بتوسط پسر عمش مولی علی فناری که قاضی عسکر بوده اجازه گرفته و بمصر رفته است و سلطان محمد دوم او را دوست نمی داشت زیرا که حواشی کتاب التلویح خود را بنام پسر سلطان محمد با یزید نوشته بود و پس از سفر مصر بحج رفت و دوباره بخاک عثمانی باز گشت و در مراجعت سلطان محمد برو برسر لطف آمد و نخست تولیت مدرسه ازبیک و سپس تولیت یکی از مدارس هشت گانه استانبول را باو داد و وی در یکی از حجره های آن مدرسه منزل داشت و همواره بمسجد می رفت و تاج بر سر می گذاشت و ردای خود را بر سر میکشید و سپس سلطان با یزید دوم چون بسطنت رسید هر روز هشتاد درهم بر او مقرر داشت و وی بشهر بروسه رفت و در آنجا ساکن شد ولی در همین میان در ۸۸۶ در گذشت. وی از دانشمندان نامی زمان خود بوده و در علوم متداول آن زمان دست داشته و بزبان پارسی و تازی تالیف می کرده است از آن جمله حاشیه بر مطول و حاشیه بر تنقیح الاصول صدر الشریعه و حاشیه بر شرح موافق سید شریف گرگانی و حواشی بر تلویح تفتازانی و کتابی در مسایل روایت و کلام بزبان فارسی بنام «المطالب العالیه» از او مانده است.

۱۶۶ - حکیم شاه محمد بن حاج مبارک شاه کریم بن مبارک محمد قزوینی

معروف بحکیم شاه محمد از مشاهیر دانشمندان اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و نخست در شیراز می زیسته و از شاگردان علامه روانی بوده است و چون پدرانش یزیدک بوده اند در علم طب دست داشته و سپس بمکه رفته و مدتی در آنجا مجاور بوده و



چون مولی ابن المؤید که از علمای معروف دربار با یزید دوم (۸۸۶-۹۱۸) پادشاه عثمانی بوده است نزد آن پادشاه از وی تحسین کرده پادشاه مزبور وی را از مکه باستانبول خواسته و پزشک دربار خود کرده و روزی صد و بیست درهم برای او مقرر کرده است و ازین قرار پیش از سال ۹۱۸ از مکه باستانبول رفته و بهمین جهت از علمای زمان سلطان بایزید بشمار میرفته و در زمان سلطان سلیمان (۹۲۹ - ۹۷۴) در گذشته است. حاج خلیفه رحلت او را يك جا در حدود ۹۰۲ و جای دیگر در ۹۶۶ نوشته است و این هر دو تاریخ نادرست است زیرا که ۹۰۲ شش سال پیش از مرگ استادش علامه دوانیست و این ممکن نیست و ۹۶۶ هم ۵۸ سال پس از مرگ دوانیست و این نیز بسیار دور می نماید که شاگردی ۵۸ پس از مرگ استاد خود زنده مانده باشد و خود در ترجمه مجالس النقایس تصریح می کند که در ۹۲۴ در رکاب سلطان سلیم در مصر بوده و آن ترجمه را در سال ۹۲۷ بیان رسانده است و ازین قرار می بایست در اوایل قرن دهم و پس از ۹۲۷ در گذشته باشد. حکیم شاه محمد در همه علوم زمان خود دست داشته و بدو زبان تازی و فارسی تالیف می کرده از جمله مؤلفات اوست: تفسیر سورة النحل تا آخر قرآن، ربط السور والایات، حواشی بر تهافت مولی خواجه زاده، حواشی بر شرح العقاید العضدیة دوانی، شرح ایساغوجی، شرح کافیه، شرح الموجز فی الطب، حاشیه بر شرح العقاید نسفی، ترجمه حیوة الحیوان کمال الدین محمد بن موسی ابن عیسی دمیری متوفی در ۸۰۸ بنام حیوة الانسان که برای سلطان سلیمان ترجمه کرده است، ترجمه مجالس النقایس علیشیر نوایی که اصل آن تذکره شعرای فارسی زبان قرن نهم بزبان ترکیست و در ۸۹۶ تالیف شده و وی در ۹۲۷ و ۹۲۸ آن را ترجمه کرده و بر اصل کتاب شرح حال شعرای فارسی زبان پیش از علیشیر و شعرای معاصر خود را که در ایران و در دربار سلطان یعقوب در آن در بایجان و در خاک عثمانی می زیسته اند افزوده است.

۱۶۷ - سلطان محمد فخری بن امیری هروی که او نیز در اوایل قرن نهم و اوایل

قرن دهم می زیسته و از ادبای خراسان بوده و همان کتاب مجالس النقایس را در زمان شاه اسمعیل

(۹۰۷ تا ۹۳۰) و حکمرانی خراسان سام میرزا که درمش خان ازجانب اونیابت داشته است بنام میرزا حبیب الله وزیر خراسان ترجمه کرده و آن ترجمه را «اطایف نامه» نام گذاشته و برخی مطالب از آن جمله مجلس نهم را از خود بر اصل کتاب افزوده است. دیگر از مؤلفات اوست جواهر العجایب در احوال شاعرات زبان فارسی که در سند بنام عیسی ترخان تألیف کرده است و تحفة الحبیب که مجموعه غزلیات است که شاعران از نیک دیگر استقبال کرده اند و بنام خوانچه حبیب الله وزیر خراسان پرداخته و دیگر بوستان خیال که فقط شامل مطلعهای غزلیات ایشانست و تا زمان شاه طهماسب نیز زیسته و چند مثنوی و دیوان غزلیات از او مانده است.

۱۶۸ - نجم الدین طارمی از ادبای دربار سلطان حسین بایقرا بوده و کتاب

کامل التاریخ تألیف ابن الاثیر مورخ معروف زبان تازی را بنام او ترجمه کرده است.

۱۶۹ - قاضی اختیارالدین حسن بن غیاث الدین حسینی تربتی معروف

بقاضی اختیار از دانشمندان نامی زمان خود و قاضی هرات بود و پدرش نیز سمت

قضاوت داشت. در جوانی از زاوه بهرات رفت و در آنجا دانش آموخت و در اندک زمانی

ترقی کرد و بقضوی پرداخت و در ضمن در انشا و شعر و معما دست داشت و در پایان

سلطنت سلطان حسین بایقرا نخست قاضی هرات شد و سپس بمنصب وزارت او رسید

و از فقهای نامی زمان خود و از دوستان بابر میرزا و آموزگار او بود و سپس در زمان

استیلائی محمد خانی شیبانی در مقام قضاوت باقی ماند و پس از گشته شدن وی بزواوه که

وطنش بود باز گشت و بکشاورزی می پرداخت تا اینکه در آغاز سال ۹۲۸ بیدماری

سوء القبیله در گذشت و در قصبه تربت در مقبره خانوادگی مدفون شد و وی بزبان فارسی

و تازی مؤلفات چند دارد از آن جمله کتاب اقتباسات و مختار الاختیار و اساس الاقتباس

در حدیث و امثال و حکم که در ۸۹۲ تألیف کرده و مقامات حسینی و اخلاق همایون که

در ۹۱۲ بیان رساننده و رسایل دیگر در فقه و تعجیذ.

۱۷۰ - شاه نظام الدین محمد خاموش متوفی در ۸۶۰ از مشایخ معروف سلسله

نقشبندی در ماوراء النهر و مرشد خواجه عبیدالله احرار و مؤلف کتاب مرآت الایمان بوده است .

۱۷۱ - شهاب الدین ابوالعباس یاشمس الدین ابو محمد احمد بن محمد بن عبدالله بن ابراهیم بن عربشاه دمشقی حنفی عجمی معروف بابن عربشاه یا عجمی از بزرگان دانشمندان قرن نهم اصلاً ایرانی بوده و در ۷۹۱ در دمشق ولادت یافته و در ۸۰۳ که امیر تیمور دمشق را گرفت و گروهی از مردم آنجا را بایران آورد وی را با خانواده اش بسمرقند برد و در آنجا نزد سید محمد گزگانی سمرقندی و محمد بخاری و جزری و دیگران دانش آموخت و زبان فارسی و ترکی و مغولی را یاد گرفت و در ۸۱۱ از راه ختای بمغولستان رفت و از شرامی حدیث آموخت و سپس بخوارزم و از آنجا بدشت و سرای و حاجی طرخان رفت و در ۸۱۴ در حاجی طرخان بود و از آنجا از راه قریم بآدرنه در خاک عثمانی رفت و یکی از مقربان سلطان محمد بن بایزید شد و چند کتاب فارسی و تازی را برای او ترکی ترجمه کرد و متصدی مکاتبات سلطان بزبان تازی و ترکی و فارسی و مغولی بود . سپس در ۸۲۴ بحلب و در ۸۲۵ بدمشق رفت و آنجا از ابو عبدالله محمد بخاری که از دوستانش بود حدیث فرا گرفت . در ۸۳۲ بسفر حج و در ۸۴۰ بقاهره رفت و مخصوصاً با ابوالحسن ابن تغریبوردی رفت و آمد داشت در خانقاه صلاحیه در قاهره در ۸۵۴ در گذشت . ابن عربشاه بزبان ترکی و فارسی و تازی مؤلفات چند دارد که معروف ترین آنها کتاب عجایب المقدور فی نوائب تیمور یا فی اخبار تیمورست که مرتضی نظمی زاده بغدادی در ۱۱۱۰ ترکی ترجمه کرده و شامل فتوحات تیمور و جانشینان اوست و اغلب مقاسد سلطنت او را با حقیقتی تام شرح داده و در ضمن اطلاعات گران بهایی در باره سمرقند و دانشمندان آن دارد و دیگر از مؤلفات اوست فاکهة الخلق و فاکهة الظرفا که در صفر ۸۵۲ تمام کرده و شامل ده فصل مانند کتاب کلیده و دمنه است و از مرزبان نامه تقلید کرده است ، دیگر کتاب التالیف الطاهر فی شیم الملك الظاهر ابی سعید جقمق و ترجمان المترجم بمنتهی الارب فی لغة الترك والعجم والعرب و ترجمه ترکی جوامع الحکایات و لوامع الروایات عوفی که بفرمان سلطان مراد

در زمانی که آموزگار او بود ترجمه کرده است ، ترجمهٔ نازمی مرزبان نامه ، ترجمهٔ ترکی تفسیر ابواللیث سمرقندی ، ترجمهٔ ترکی تعبیر دینوری ، ترجمهٔ ترکی منظوم تعبیر قادری ، جلوة الامداح الجمالیة فی حلتی العروض العربیة قصیده شامل ۱۸۳ بیت ، خطاب الذهاب الناقب و جواب الشهاب الثاقب ، مرآة الادب فی المعانی والبیان در حدود هزار بیت ، غرة السیر فی دولة الترك والتتر ، العقد الفرید فی علم التوحید منظومه ، عنقود النصیحة . دوپسروی حسن بن احمد و قاجالدین یا شهابالدین ابوالفضل عبدالوهاب متوفی در ۹۰۱ هـ که آن دونیز بابن عربشاه معروف بوده اند هم از دانشمندان نامی قرن نهم بشمار میروند .

۱۷۲ - افضل الدین عبدالعزیز بن محمد شیرازی مؤلف کتابیست در مزارات شیراز بنام دستور الزایرین که مطالب آنرا از کتاب شدالازار معروف بهزار مزار تألیف جنید شیرازی مؤلف مشهور قرن هشتم گرفته است .

۱۷۳ - خواجه جلال الدین محمد بن محمد بن محمود حافظی بخاری

معروف بخواجه محمد پارسا از اصحاب درجهٔ اول خواجه بهاء الدین نقشبند و از اولاد عبدالله بن جعفر طیار و پیشوای نقشبندیه و از مشاهیر عرفای این سلسله بود و در بخارا مسکن داشت و از رجال محترم زمان خود بشمار میرفت در محرم ۸۲۲ عازم حج شد و چون از رود جیحون گذشت بهر شهر و قصبه که میرسید سادات و علما و دانشمندان مقدم او را گرامی می شمردند و پس از رسیدن بمسکه گرفتار بیماری سخت شد چنانکه در عماری طواف کردو بهمان حال بمدینه رفت و در راه یکی از اصحاب خود را خواست و گفت بنویسد که ظهر روز شنبه ۱۹ ذیحجهٔ ۸۲۲ در موقع خروج از مسکه که با مرکب می رفتم در میان خواب و بیداری جنید را دیدم که مرا گفت زیارت تو پذیرفته است و من انجام روز چهارشنبه ۲۳ آن ماه بمدینه رسیدم و روز پنجشنبه در گذشت و شمس الدین فناری و اهل قافله بر او نماز گزاردند و شب جمعه او را در جوار هزارعباس بنخاک سپردند . خواجه محمد پارسا مؤلف کتب و رسایل بسیار در تصوف بزبان فارسی و تازیست که معروفترین و مهمترین آنها کتاب «فصل

الخطاب بوصول الاحیاب که فارسی و عربی نوشته و در آن مطالبی برخلاف عقیده فرقه شیعه است و بهمین جهت کلمه فصل الخطابی را تاریخ رحلت او دانسته‌اند و دیگر از مؤلفات اوست رساله قدسیه در مناقب و کلمات بهاءالدین نقشبند که بدستور علاءالدین محمد بن محمد بخاری معروف بمطار پیشوای معروف نقشبندیه نوشته و تفسیر فارسی و الفصول الستة در حدیث و مسالك العارفين در مناقب نقشبندیه و طریقه آنها و نیز کتاب عقاید حکیم ابوالقاسم اسحاق بن محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن زید سمرقندی دانشمند قرن چهارم را که ذکر آن گذشت (ص ۲۹) تهذیب کرده است. وی پسری داشته است بنام خواجه حافظ الدین ابونصر یارسا که او هم از مشایخ معروف نقشبندیه است و جانشین پدر شد و در ۸۶۵ در گذشت و در بلخ او را بخاک سپردند.

۱۷۴ - شیخ محمد مغربی از عرفای قرن نهم بوده و ظاهراً از پیروان طریقه نقشبندی بشمار میرفته و مؤلف رساله‌ایست در تصوف بنام جهان نما.

۱۷۵ - سید اسحاق حروفی از پیروان طریقه حروفی بوده و مؤلف کتابیست بنام منجم نامه که در روز چهارشنبه ۲۱ ربیع الاول ۸۲۸ پایان رسانده است.

۱۷۶ - خواجه عبدالله کاشغری ندایی از مشایخ طریقه نقشبندی بوده و رسایل چند در تصوف نوشته است از آن جمله: فقرات، رساله حقیقه، منظومه، مناجات.

۱۷۷ - محمود بن محمد قاضی زاده که از منجمان اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در ۹۳۱ در گذشته و بجز موسی بن محمد بن محمود معروف بقاضی زاده رومی منجم معروف قرن نهم و عبدالکبیر بن اویس قاضی زاده و قوام الدین یوسف بن حسن قاضی زاده بوده است و مؤلف کتابیست در شرح زیج الخ بیک بنام دستور العمل که در ۹۰۴ تألیف کرده است و نیز رساله‌ای در ربیع مجیب نوشته است.

۱۷۸ - تاج الدین محمود اشنوی از مشایخ نقشبندی قرن نهم بوده و در رساله در تصوف از او مانده است یکی بنام غایة الامکان فی درایة امکان و دیگری بنام تاج نامه.

۱۷۹ - غیاث الدین سبزواری از پزشکان قرن نهم بوده و کتابی در قرابادین تألیف کرده است.

۱۸۰ - محمد بن یوسف طبیب هروی از مشاهیر پزشکان قرن نهم ایران بوده و در هرات میزیسته است و در پایان زندگی با ظهیرالدین بابر به هندوستان رفته و رساله غرایب و عجایب هندوستان را در آنجا تألیف کرده است و نیز کتابی در لغات و اصطلاحات طبیبی دارد بنام جواهر اللغه یا بحر الجواهر که نخست آنرا بنام جلال الدین ملک دینار از امرای زمان خود تألیف کرده و سپس روایت دیگری از آن انتشار داده است.

۱۸۱ - یوسف بن محمد بن یوسف طبیب هروی پسر محمد بن یوسف سابق الذکر بوده و در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم میزیسته است و با پدر به هندوستان رفته و در دربار ظهیرالدین بابر و همایون میزیسته و شعر نیز میگفته و یوسفی تخلص میکرده و بیشتر مطالب طب را بشعر در آورده است و به همین جهت آثار وی بسیار معروف شده و در قدیم مردم آنرا حفظ میکرده اند و از جمله آثار وی بزبان فارسیست: فواید الاخیار که در ۹۱۳ تألیف کرده، نصیده در حفظ الصحه که در ۹۳۷ نظم کرده، ریاض الادویه که در ۹۴۶ تألیف کرده است، علاج الامراض، جامع الفوائد، طب یوسفی.

۱۸۲ - محمد بن شیخ هروی از ادبای قرن نهم ساکن هرات بوده و رساله‌ای در تنفال دیوان حافظ نوشته است.

۱۸۳ - نعمه الله بن محمود نخبجویانی معروف بیابا نعمه الله از معارف عرفای اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم ایران بود و در پایان زندگی بخاک تورکیه رفت و در آق شهر ساکن شده و به همین جهت به «علوان آق شهری» معروف شده و در آنجا در ۹۲۰ در گذشته و بزبان فارسی و تازی مؤلفات چند دارد از آن جمله تفسیری بنام فوائح الالیه و مفاتیح الغیبیه الموضحة للمکالم القرآنیة والحکم الفرقانیه که در ۹۰۲ پایان رسانده و حاشیه بر انوار التنزیل و اسرار التأویل تفسیر بیضاوی که در حدود سال ۹۰۰ تألیف کرده و شرح ممزوجی بر گلشن راز و رساله‌ای در وجود و هدایة الاخوان در تصوف.

۱۸۴ - اوحد الدین عبدالله حمینی بلیانی کازرونی از اولاد اوحد الدین عبدالله بلیانی کازرونی عارف مشهور قرن هفتم بوده و همان لقب و نام جدش را داشته و به همین جهت ویرا با جدش اشتباه کرده اند و او در قرن نهم میزیسته و در حدود سال ۹۰۰

در گذشته است و چند کتاب در علوم خفیه نوشته است از آن جمله ریاض الطالبین و مفتاح الکنوز در عمل .

۱۸۵- نظام الدین عبدالعلی بن محمد بن حسین بیرجندی از مشاهیر علمای ریاضی و منجمین اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم ایران بوده و در ۹۱۱ در گذشته و ویرا در فنون مختلف زبان، تازی و پارسی تألیقات بسیارست از آن جمله شرح تذکرة النصیریة ، شرح فواید البهائیه در حساب از عماد الدین بغدادی که در اواخر ذی حجه ۸۹۱ پربیان رسانیده است ، شرح منار الانوار حافظ الدین نسفی که بنام عبیدالله خان ازبک تألیف کرده است ، شرح آداب عضد الدین ایچی ، بیست باب در تقویم ، مسالك و ممالك فارسی که ظاهراً در ماه رجب ۹۰۹ پربیان رسانیده است .

۱۸۶- محمد بن برهان الدین معروف بمحمد قاضی در ۸۸۵ از مریدان خواجه عبیدالله احرار شده و پس از مرگ وی کتاب سلسله العارفین و تذکرة الصدیقین را در مقامات وی نوشته است .

۱۸۷- طاهر الدین محمد بن شمس الدین ابراهیم بمی از مشایخ کرمان بوده و کتابی در مقامات پدرش که وی نیز از اولیای آن دیار بوده است در پایان قرن هشتم و آغاز قرن نهم تألیف کرده و کتاب دیگری داشته است بنام بم نامه در تاریخ بم .

۱۸۸- شمس الدین بن محمود بن علی جهرمی نیز از مشایخ این زمان بوده و کتابی در مقامات طاهر الدین محمد سابق الذکر در میان سالهای ۸۷۰ و ۸۸۰ تألیف کرده است . وی نخست از مریدان شاه نعمت الله ولی بوده و پس از آن در سالك پیروان طاهر الدین در آمده است .

۱۸۹- رکن الدین یحیی بن معین الدین جنید شیرازی از متصوفه فارس بوده و در قرن نهم کتاب سیرت شیخ کبیر ابو عبدالله بن خفیف شیرازی عارف مشهور را که ابوالحسن دیلمی بتازی نوشته بود بفارسی روان و فصیح ترجمه کرده است .

۱۹۰- ابوبکر قطبی اهری از مورخان این دوره است که تاریخ شیخ اوئیس را در حدود ۸۶۰ تألیف کرده است .

- ۱۹۱ - معین الدین لطنزی مؤلف منتخب التواریح معینی در تاریخ ملوک و شیخانگاره و هرمز و کرمان و یزد و لرستان و ایماخانان مغول تا بازماندگان تیمور که در سالهای ۸۱۶ و ۸۱۷ تألیف کرده است .
- ۱۹۲ - نجم الدین طارمی از عرفای قرن نهم بوده و در ۸۱۱ تذکره احوال ابو عبد الله محمد بن صدیق بن محمد کججانی یا کججی عارف مشهور متوفی در ۶۷۷ را که از مردم کججیان یا کجج از توابع مهران رود تبریز بوده است و یکی از اصحاب وی تاج الدین حسن بن حمزه شیرازی پلاسی در همان قرن تألیف کرده بود بفارسی بسیار خوب ترجمه کرده است .
- ۱۹۳ - میر کمال الدین حسین بن مولانا شهاب الدین اسمعیل طبیبی سقازرگاهی هروی از متصوفه قرن نهم بوده و برخی رسایل در تصوف و شرح منازل السائرین عبدالله انصاری را تألیف کرده و چنانکه گذشت (ص ۲۳۲ و ۲۵۵) کتاب معروف مجالس العشاق را که در ۹۰۸ و ۹۰۹ تألیف شده است و برخی بساطان حسین بایقراسبت داده اند ازو می دانند .
- ۱۹۴ - برهان الدین عبدالله ختلائی از مشاهیر عارفان قرن نهم بوده و در ۸۹۳ در گذشته و چند کتاب در تصوف نوشته است از آن جمله کشف الحجاب و شرح لمعات فخر الدین عراقی .
- ۱۹۵ - درویش علی بن یوسف کوکهری نیز از عارفان این زمان بوده و کتابی در تصوف بنام زبدة الطریق در ۸۰۵ بیابان رسانیده و نیز شرحی بر لمعات نوشته
- ۱۹۶ - خاوری نام نیز شرحی بر لمعات عراقی نوشته و ظاهراً وی نیز در قرن نهم میزیسته است .
- ۱۹۷ - صلاح بن مبارک بخاری مؤلف انیس الطالبین و عدة السالکین در مقامات بهاء الدین نقشبند .
- ۱۹۸ - ابوالحسن محمد باقر بن محمد علی که وی نیز در ۸۰۴ کتابی در



مقامات بهاء‌الدین نقشبند بیابان رسانیده است .

۱۹۹ - **فخرالدین علی بن حسین واعظ کاشفی متخلص بصفی پسر ملا حسین**

کاشفی دانشمند معروف بوده و چنانکه گذشت (ص ۲۴۷ - ۲۴۸) در هرات می‌زیسته و از بیروان طریقه نقشبندی بوده و در ۹۳۹ در گذشته است و کتاب اسرار فاسمی پدرش را تلخیص کرده و بجز آن کتاب رشحات عین‌الحیات را در احوال مشایخ طریقه نقشبندی در ۹۰۹ بیابان رسانیده و کتاب لطایف الطوائف را در حکایات در ۹۳۹ نوشته و کتاب حرز الامان من فتن الزمان در خواص و منافع حروف و اسرار قرآن نیز از وصت و دیوان غزلیات و مثنوی محمود و ایاز از او مانده است .

۲۰۰ - **اشرف بن شرف مذکر فاروقی مؤلف دانشنامه قدرخان در لغت فارسی**

که در ۸۰۷ در بخارا تألیف کرده است .

۲۰۱ - **شاه قلی میر آخور سلطان حسین بایقرا** که فرس نامه ای بنشر بنام

عبیدالله خان از بک تألیف کرده است .

۲۰۲ - **علی بن عبدالعالم کاتب** از دانشمندان ماوراءالنهر بوده و در بخارا در بیابان

قرن نهم و آغاز قرن دهم کتاب معروف مسالك الممالك یا اشکال العالم تألیف ابو عبدالله

احمد بن محمد بن نصر جیهانی وزیر معروف سامانیان را در زمان علی خواجه حکمران

بخارا بفارسی بسیار فصیح ترجمه کرده است .

### ۳ - **شاهران**

چنانکه پیش ازین نیز اشاره رفت قرن نهم ایران بدلایلی که گفته شد از حیث

وفور شاعران فارسی زبان امتیاز دارد و بزرگان شعرای این زمان ازینقرارتند :

۱ - **عمادالدین یا نورالدین ابوالبرکات عبدالرحمن بن نظام الدین احمد بن**

**شمس الدین محمد جامی** بزرگترین دانشمند و شاعر ایران در قرن نهم بود . پدرش

از مردم محله دشت اصفهان بود و نسبش از یکسو بامام محمد شیبانی و از سوی دیگر

بشیخ الاسلام احمد زنده پیل جامی عارف مشهور قرن پنجم میرسید . خانواده اش در خرجرد

جام ساکن شده بودند و وی در ۲۳ شعبان ۸۱۷ در آنجا ولادت یافت و در جوانی که

پدرش از جام بهرات رفت با وی در آن شهر ساکن شد و در همان زمان بشاعری آغاز کرد و چندی دشتی تخلص میکرد و هم در همان زمان که بتحصیل علوم متد اول زمان مشغول بود مجذوب طریقه تصوف شد و در حلقه مریدان سعدالدین محمد کاشغری عارف مشهور و جانشین بهاءالدین نقشبند متوفی در ۸۶۰ در آمد و در ضمن نحو و صرف و منطق و حکمت مشایخی و حکمت اشراق و طبیعیات و ریاضیات و فقه و اصول و حدیث و قرائت و تفسیر و تصوف را فرا گرفت و درین زمان در مدرسه نظامیه هرات ساکن بود و نزد معروفترین دانشمندان زمان تحصیل علم کرد چنانکه مختصر تلخیص و شرح مفتاح و مطول و حاشیه آنرا از مولا ناجیه اصولی فرا گرفته و سپس بدرس خواجه علی سمرقندی از شاگردان سید شریف کرکانی و شهابالدین محمد جاجرمی از شاگردان سعدالدین تفتازانی رفتند و پس از آن بسمرقند رفته و در دروس قاضی زاده رومی و فتح الله تبریزی که در دستگاه الغ بیک صدارت داشته است و ملا علی قوشچی حاضر شده است و پس از آن بهرات باز گشته و پس از مرگ سعدالدین کاشغری در حلقه مریدان خواجه ناصرالدین عبیدالله معروف بخواجه احرار در آمده و درین میان یک سفر بمر و سفر دیگری در ۸۷۰ بسمرقند و سفر دیگری در ۸۸۴ بسمرقند و فاراب و تاشکند و سفری در ۸۷۷ بحجاز و حج از راه خراسان و همدان و کردستان و بغداد و کربلا و نجف و مدینه و مکه و دمشق و حلب و تبریز کرده و این سفر از اواسط ربیع الاول ۸۷۷ آغاز شده و چند ماه کشیده است. جامی در جوانی که بشاعری آغاز کرده درین فن معروف شده و نخست میرزا ابوالقاسم بابر و پس از آن میرزا سلطان ابو سعید بوی توجه کرده اند و سپس مورد توجه خاص ابوالغازی سلطان حسین بایقرا و امیر معروف دربار وی علیشیر نوایی قرار گرفته و در بازمانده عمر خود در دربار سلطان حسین بسیار معزز و محترم بوده است و در ضمن شهرت وی در نواحی دیگر کشورهای اسلامی پیچیده و با او زون حسن آق قویونلو و سلطان یعقوب و سلطان محمد فاتح پادشاه معروف عثمانی و سلطان بایزید دوم رابطه داشته است و درین میان همه اوقات او مستغرق در کسب دانش و تحقیق و تألیف بوده و مردی وارسته و دارای عزت نفس

و استغنا بشمار میرفته و زندگی بسیار ساده میکرده و در نیکو خواهی و ذوق و خوش طبعی و ظرافت و گشاده رویی و کرم در زمان خویش مشهور بوده است و در میان شاعران و دانشمندان زمانه از همه مشهورتر بوده و سرانجام در هرات روز هجدهم محرم ۸۹۸ در ۸۱ سالگی در گذشته است و در همان شهر در کنار مزار سعدالدین کاشغری او را بخاک سپردند و قبرش امروز معروف بتخت مزار است. عبدالرحمن جامی نه تنها یکی از بزرگان شعرای ایران بشمار است بلکه او را خاتم شعرای ایران دانسته اند زیرا که پس از وشاعری بدان بزرگی نیامده است. آثار وی در شهر نخست سبعة اوست که شامل هفت مثنویست و خود آنرا «هفت اورنگ» نامیده است؛ (۱) سلسلة الذهب که دفتر اول آنرا در میان سالهای ۸۷۳ و ۸۷۷ نظم کرده و دفتر دوم را در ۸۹۰ پایان رسانده و دفتر سوم را پس از آن نظم کرده است، (۲) سلامان و اقبال که در ۸۸۵ نظم کرده، (۳) تحفة الاحرار که در ۸۸۶ پایان رسیده، (۴) سیحة الابرار که در ۸۸۷ پایان رسیده، (۵) یوسف و زلیخا که در ۸۸۸ تمام کرده است، (۶) لیلی و معجون که در ۸۸۹ پایان رسانده است، (۷) خردنامه اسکندری که ظاهراً در حدود ۸۹۰ پایان رسانده است. قسمت دوم از اشعار وی دیوان قصاید و غزلیات اوست که سه نوبت آنها را جمع کرده و هر يك را نامی جدا گانه گذاشته است؛ (۱) فاتحة الشباب که در ۸۸۴ تدوین کرده است، (۲) واسطة العقد که در ۸۹۴ جمع کرده (۳) خاتمة الحیوة که در ۸۹۶ دو سال پیش از مرگ خود تدوین کرده است. گذشته ازین ده کتاب که مجموعه اشعار اوست در رشته های مختلف بزبان پارسی و تازی کتابها و رسایل بسیاری گذاشته است که فهرست آنها بترتیب حروف هجا بدین گونه است؛ (۱) اربعین، (۲) ارشادیه که برای سلطان محمد فاتح فرستاده است، (۳) اشعة المعات در شرح لمعات عراقی اتمام در ۸۸۶، (۴) اعتقادنامه، (۵) بهارستان تقلید گلستان که در ۸۹۲ برای پسرش ضیاءالدین یوسف تألیف کرده است، (۶) تاریخ صوفیان و تحقیق مذهب آنان، (۷) تاریخ هرات، (۸) تجنیس اللغات یا رساله تجنیس خط منظوم، (۹) ترجمه چهل حدیث یا ترجمه اربعین حدیث اتمام در ۸۶۶، (۱۰) تفسیر که ناقص مانده است، (۱۱) تفسیر

سورة فاتحه (۱۲۰) الحاشية القدسية بر کلمات قدسية بهاءالدين نقشبندي (۱۳) جليلةالحل  
 در معما اتمام در ۱۴۸۵۶ ( درة الفاخره در تحقيق مذهب صوفيه و حکما و متکلمين ، ۱۵ )  
 ديوان رسايل ، ۱۶ ) ذکر طريقه صوفيان بطريق خواجگان ، ۱۷ ) رساله ارکان الحج  
 اتمام در روز پنجشنبه ۲۲ شعبان ۸۷۲ در بغداد ، ۱۸ ) رساله في الاهليت ، ۱۹ ) رساله  
 في التصوف و اهلها و تحقيق مذهبهم ، ۲۰ ) رساله في النسلة النفسبنديه ، ۲۱ ) رساله في الوجود ،  
 ۲۲ ) رساله في تحقيق الوجود ، ۲۳ ) رساله تحقيق مذهب صوفى و متکلم و حکيم ، ۲۴ )  
 رساله تهليليه ، ۲۵ ) رساله شرايط ذکر ، ۲۶ ) رساله صرف ، ۲۷ ) رساله عروض ، ۲۸ )  
 رساله عروه ، ۲۹ ) رساله قوافى يا رساله در فن قافيه ، ۳۰ ) رساله لا اله الا الله ، ۳۱ ) رساله معماي  
 صغير ، ۳۲ ) رساله معماي كبير ، ۳۳ ) رساله معماي متوسط ، ۳۴ ) رساله منطق ، ۳۵ ) رساله  
 منظومه ، ۳۶ ) رساله موسيقى ، ۳۷ ) رساله نوربخش در بيان حقيقت و طريقت معجاز ، ۳۸ )  
 رساله وجود و موجود ، ۳۹ ) رساله وحدت وجود ، ۴۰ ) سبحة في النصاب و الحكم که بر اى  
 سلطان حسين بايقرا تأليف کرده ، ۴۱ ) سخنان خواجه پارسا ، ۴۲ ) سؤايل و جواب  
 هندوستان ، ۴۳ ) شرح ابیات اول مثنوى معروف بر رساله النائيه يا نى نامه ، ۴۴ ) شرح  
 بيت قران السعدين خسرو دهلوى ، ۴۵ ) شرح بيتين از مثنوى مولوى ، ۴۶ ) شرح حال  
 عرفا ، ۴۷ ) شرح حديث ابى ذر العقبلى ، ۴۸ ) شرح حديث اربعين ، ۴۹ ) شرح رباعيات ،  
 ۵۰ ) شرح رباعيات وحدت وجود ، ۵۱ ) شرح رساله الوضع عضدالدين ، ۵۲ ) شرح فصوص  
 الحكم ابن العربى اتمام در ۵۳ ، ۱۸۹۶ ) شرح قصيده برده منظوم ، ۵۴ ) شرح قصيده عطار ،  
 ۵۵ ) شرح مائه عامل ، ۵۶ ) شرح مثنوى ، ۵۷ ) شرح مخزن الاسرار ، ۵۸ ) شرح  
 معميات مير حسين معمايى ، ۵۹ ) شرح مفاتيح الغيب صدرالدين قونيوى  
 منظوم و منشور ، ۶۰ ) شرح نفايه مختصر الوقايه صدر الشريعه حنفى بفرسى ، ۶۱ ) شواهد  
 النبوه لتقوية يقين اهل الفتوه اتمام در ۶۲ ، ۸۸۵ ) صد کلمه علمى بن ابيطالب با ترجمه  
 فارسى ، ۶۳ ) فوائد الضيائيه شرح كافيه فى النحو از ابن حاجب که بشرح جامعى  
 معروفست و در روز شنبه ۱۱ رمضان ۸۹۷ بر اى پسرش ضياء الدين يوسف بيان  
 رسانده است ، ۶۴ ) کلمتى الشهاده ، ۶۵ ) گل و نوز ، ۶۶ ) لوايح شرح قصيده ميميه

ابن الفارض اتمام در صفر ۸۷۵، ۶۷) نوایح اتمام در حدود ۸۷۴، ۶۸) معنیات، ۶۹) مفتاح الغیب در تفسیر، ۷۰) مناسک حج منظوم، ۷۱) مناقب جلال الدین رومی، ۷۲) مناقب شیخ الاسلام عبدالله انصاری، ۷۳) منشآت، ۷۴) منظومه معما معروف بر سئله اصغر معما، ۷۵) نظم الدرر شرح قصیده نائیه ابن الفارض، ۷۶) نجات الانس من حضرات القدس تهذیب و تکمیل کتاب طبقات الصوفیه عبدالله انصاری بزبان هروی در احوال مشایخ عرفا که بنام علیشیر نوایی در ۸۸۳ بیان رسانده است، ۷۷) نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص اتمام در ۸۶۳. جامی بنا بر رسمى که در میان شاعران قرن نهم رواج داشته برخی از قصاید خود را نام گذاشته است چنانکه قصیده قافیه نون و شین (شینیه) را که استقبال از قصیده معروف خاقانی کرده و ۳۰ بیتست «جلاء الروح» نام گذاشته است. آثار جامی در خارج از ایران نیز رواج یافته است چنانکه برخی از مثنویات او از آن جمله سلمان و ابراهیم و یوسف و زلیخا و تحفة الاحرار و لوایح و رباعیات او بزبانهای اروپایی و مخصوصاً فرانسه و انگلیسی ترجمه شده است.

۲ - محمد بن احمد بن محمد جامی برادر مهتر نورالدین عبدالرحمن جامی بوده و از دانشمندان زمان خود بشمار میرفته و در علوم ظاهر دست داشته از آن جمله در علم ادوار و موسیقی کامل بوده و شعر را نیکو میسروده و پیش از برادر کهتر خود جامی در گذشته چنانکه جامی در باره او مرثیت گفته است.

۳ - میر نظام الدین علیشیر بن میر غیاث الدین گجکنه معروف با میر علیشیر نوایی معروفترین رجال قرن نهم و بزرگترین امیر دربار سلطان حسین بایقرا بود. اجدادش از مخصوصان میرزا عمر شیخ بن تیمور بودند. وی در ۸۴۴ در هرات ولادت یافت و در کودکی با پدرش سفری بیزد رفت و پس از آن در جوانی چندی در مشهد اقامت داشت و ملازم میرزا سلطان بابر بود و از همان زمان با سلطان حسین بایقرا مربوط شد. پس از مرگ بابر که سلطان حسین از مشهد بمر و رفت وی نیز با او همراه شد و در مرو با او همدرس بود و سپس در زمان سلطان ابو سعید بهرات رفت و چندی از ملازمان سلطان ابو سعید بود و سپس از خراسان بماوراء النهر رفت و چندی در

خانقاه خواجه فضل الله ابولیتی در سلك مریدان او بود و در ضمن بتکمیل دانش می کوشید و گاهی با امیر درویش محمد ترخان و امیر احمد حاجی که حکمرانان هاوراءالنهر بودند آمیزش داشت و پس از مدتی بخراسان بازگشت و پس از آن در زمانی که سلطان احمد میرزا پس از استیلای سلطان حسین بر خراسان از آنجا بصر قند رفت ویرا با خود برد و چون سلطان حسین میرزا در حکمرانی مستقر شد وی از امیر حاجی اجازه گرفت و بهرات بازگشت و در دربار سلطان حسین بواسطه روابطی که از جوانی با او داشت کارش بالا گرفت و کم کم بر همه امرا مقدم شد و سرانجام هنگامیکه سلطان حسین از استرایاد باز میگشت و وی باستقبال رفته بود در راه چون بسطغان حسین رسید حال ضعف درو پیدا شد و در همان شب سکنه کرد و پس از چند روز در روز یکشنبه ۱۱ جمادی الاخره ۹۰۶ در هرات در گذشت و ویرادرعید گاه هرات در گنبدی در شمال مسجد جامع دفن کردند و مزار او هنوز در آن شهر معروف است. علیشیر از مردان بزرگ تاریخ ایرانست و گذشته از توجه بسیاری که نسبت بادبیات داشته و یدشرف فوق العاده ادبیات قرن نهم همین اوست مرد بسیار افتاده خوشروی نیکو کار مهربان دانش دوست کریم و زیر دست نواز بوده و کمتر کسی در تاریخ ایران باندازه او خیرات کرده است، چنانکه ۳۷۰ بقعه را تعمیر کرده و ۹۰ رباط ساخته و از جمله آثار خیر وی که هنوز در ایران باقیست ایوان جنوبی صحن عمیق آستان رضوی و مزار شیخ فریدالدین عطار در نیشابور و آب نهر خیابان در مشهد و رباط سنگ بست و رباط دیز آباد و سد آجری روستای طرق و بقعه قاسم انوار در روستای لنگر در خرگرد جام و برخی ساختمانهای دیگرست. علیشیر در زبان ترکی جغتایی و فارسی نویسنده و شاعر زبردستی بوده و مقام مهمی که دارد اینست که مؤسس شعر جغتاییست و بهمین جهت معروفترین شاعر ازبکستان شوروی بشمار میرود و آثار او طلیعه ادبیات زبان ازبکست. در زبان جغتایی نوایی و در زبان فارسی فانی تخلص می کرده، اشعار وی در زبان جغتایی شامل خمسه ایست بنام خمسه المتحیرین که بتقلید از خمسه نظامی سروده و شامل پنج مثنویست: حیوة الابرار در برابر مخزن الاسرار،

فرهاد و شیرین ، لیلی و مجنون ، سبعة سیاره در برابر هفت گنبد ، سد سکندری در برابر سکندر نامه ، غزلیات و قصاید خود را در چهار دیوان که هر يك مجموعه اشعار يك قسمت از عمر اوست گرد آورده بدین ترتیب : غرایب الصغر ، نوادر الشباب ، بدایع الوسط ، فواید الکبر ، بجزین یکمده دیگر مؤلفات بنظم و نثر پارسی و ترکی دارد که فهرست آنها بترب حروف هجا ازین قرار است : اربعین منظوم ، تاریخ انبیا ترکی ، تاریخ ملوک عجم ، تحفة الملوک ، حالات پهلوان محمد ابوسعید ، حالات سید حسن اردشیر ، دیوان فارسی ، رساله معمای نود و نه بنام حضرت رسالت ، رساله معنیات فی اسماء الحسنی ، سراج المسلمین ، سیر الملوک ، عروض ترکی یا رساله عروضیه ، قصه شیخ صنعان ، لسان الطیر مثنوی ترجمه منطلق الطیر عطار ، لغات ترکی بفارسی ، مجالس النفایس تذکره شعرای معاصر وی که در ۸۹۶ بزبان ترکی تألیف کرده و سه بار بفارسی ترجمه شده است : یکبار در هرات بنام لطایف نامه بتوسط سلطان محمد بن محمد امیری هروی متخلص بفخری که دو حدود ۹۲۸ ترجمه شده ، بار دوم در استانبول بتوسط شاه محمد بن حاج مبارکشاه محمد قزوینی معروف بحکیم شاه محمد طبیب که از ۹۲۷ تا ۹۲۹ مشغول ترجمه آن بوده ، بار سوم در خراسان بتوسط شاه علی بن عبدالعلی در اوایل قرن یازدهم ، محاکمه اللغتین در ترجیح زبان ترکی بفارسی که در ۹۰۵ بیابان رسانده است ، محبوب القلوب در اخلاق و غیره ، معنیات فارسی ، مفردات در فن معما ، مناجات نامه ، منشآت ترکی ، منشآت فارسی ، میزان الاوزان ترکی ، نسائم المحبه ترجمه ترکی نفعات الانس جامی ، نظم الجواهر ترکی . بجزین کتابها قصاید خود را در سال ۹۰۲ در عجم و عدای بنام ستمه ضروریه جمع کرده و خواند میر مؤلف حبیب السیر کتاب مستغنی در احوال و مناقب او بنام «مکارم الاخلاق» تألیف کرده که اخیراً بزبان ترکی ترجمه کرده اند .

۴ - سید معین الدین علی بن نصیر الدین هارون بن ابوالقاسم حمینی تبریزی معروف بقاسم انوار یا شاه قاسم انوار یکی از مشاهیر شعرای صوفی مشرب ایران و یکی از بزرگان قرن نهم بود ، در سراب نزدیک تبریز در ۷۵۷ ولادت یافت و جوانی را در

تبریز گذراند و بهمین جهت تبریزی معروف شد و در همان شهر دانش آموخت و در آغاز جوانی بطریقه تصوف درآمد و از مریدان شیخ صدرالدین موسی اردبیلی نواده شیخ صفی الدین عارف مشهور قرن هفتم و جد صفویه بوده و سپس سفری بمکه رفت و وارد در طریقه اوحیدالدین کرمانی و صدرالدین عالی یمنی شد و در بازگشت از حج نخست بکیلان و از آنجا بخراسان رفت و در هرات ساکن شد و در زمان تیمور و پسرش شاهرخ مریدان بسیار بهم زد و کارش بالا گرفت چنانکه شاهرخ در زمان سلطنت بدیدن او میرفت و سفری ببلخ و سمرقند کرد و باز بهرات برگشت ، پس از چندی بایستغیر حیرزا باو تهمت زد و خواست ویرا بیازد و او بسمرقند رفت و بالغ بیک پناه برد و پس از چندی بخراسان بازگشت و در خرگرد یاخرجرد نزدیک جام در همان روستایی که مولد جامی بوده است ساکن شد و همانجا در ۸۳۷ درگذشت . قاسم انوار که در شعر قاسم و قاسمی تخلص می کرده از بزرگان عرفای ایران و مردی بسیار دلیر و بیباک بوده و بهمین جهت گروهی از همعصرانش ویرا کافر می دانسته اند و میگفتند مریدان خود را از عبادت منع میکرده است و مسلکی اشتراکی و اباحی داشته و برخی هم ویرا پیرو طریقه حروفی دانسته اند و خود نیز گاهی باسرار حروف در آثار خویش اشاره کرده است . در هر صورت وی اصلا پیرو طریقه تصوف بوده و با خاندان صفوی خویشی داشته است و در زبان فارسی شاعر زبردستی بوده و گاهی بزبان ترکی و کیلک هم شعر می گفته است و گذشته از دیوان غزلیات وی که معروفست بنظم و نثر آثار دیگری داشته از آن جمله است : مثنوی توجه نامه یا واقعه هرات که در ۷۷۹ بیابان رسیده است ، انیس العاشقین ، رساله وجود ، مکاتیب ، سؤال و جواب ، رساله الامانه که در ۷۷۹ بیابان رسیده است ، انیس العاشقین .

۵ - میر حسین بن محمد حسینی نیشابوری شیرازی معروف بمیر حسین معمای

معروفترین شاعر معماگوی قرن نهم بود ، در نیشابور ولادت یافت و در جوانی برای تحصیل دانش بهرات رفت و در آنجا در مدرسه اخلاصیه ساکن شد و علم آموخت و مردی نهی دست و پریشان روزگار بود و در هیچ کار کامیاب نشد و با اینهمه بسیار



در دستکار بود و جامی و علیشیر نوایی او را محترم می شمردند و همه وقت خود را در سرودن معما بکار می برد و سرانجام در ذیقعدة ۹۰۴ بیماری اسهال در گذشت و در کنبید مدرسه اخلاصیه او را بخاک سپردند. میر حسین چندین رساله در فن معما تألیف کرده است از آن جمله رساله ای بنام علیشیر، رساله دیگر بنام محمد مؤمن میرزا و رساله اولی را ضیاءالدین اردوبادی متخلص بشفیع و عبدالوهاب صابونی و جامی و سیفی بخاری شرح کرده اند.

۶ - سیفی عروضی بخاری از شاعران نامی قرن نهم بود. در بخارا ولادت

یافت و در جوانی بهرات رفت و از ملازمان علیشیر و مقربان دربار ساطع الحسین بود، پس از چندی به بخارا برگشت و در آنجا لله بایسنغر میرزا پسر دوم محمود میرزا حکمران بخارا شد و چون وی در ۱۸ سالگی در سال ۹۰۰ حکمران سمرقند شد با او بسمرقند رفت و پس از گذشته شدن بایسنغر میرزا در ۹۰۵ بدست امیر خسرو میرزا وی به بخارا برگشت و در آنجا سال ۹۰۹ در گذشت. سیفی در زمان خود تسلط در عروض معروف بوده و در ضمن مردی عجیب و میخوار و عربده جو بشمار میرفته و با اینهمه مردی دانشمند بوده و در مثنوی و اشعار اخلاقی و اشعاری در وصف پیشه‌وران نیز دست داشته و آثاری چند از او مانده از آن جمله رساله در معما، رساله در عروض، دیوان در اصطلاحات اهل صنایع و حرف، شرح معنیات میر حسین معمای دیوان قصاید و غزلیات.

۷ - شیخ جمال الدین علی حمزة بن علی ملک هاشمی آذری طوسی بهی

اسفراینی مروزی یکی از معارف شعرای این قرن بود. پدرش از اعیان ناحیه اسفراین بود و نسبش از یک سو بخاندان سرداران و از سوی دیگر باحمد بن محمد زمجی هاشمی مروزی صاحب الدعوة می‌رسید و بهمین جهت بمروزی و هاشمی معروف شده بود. چون چندی در طوس زیسته است او را طوسی هم گفته‌اند. در اسفراین در ماه آذر سال ۷۸۴ ولادت یافت و بهمین جهت آذری تخلص می‌کرد. در جوانی بشاعری آغاز کرد و بخدمت مداح شاهرخ و ملک اشعرازی دربار او بود. در همان موقع وارد طریقه

تصوف شد و نخست از مریدان شیخ محیی‌الدین غزالی طوسی بود و نزد او حدیث و حکمت آموخت و با اوسفری بحج رفت و در بازگشت ازین سفر شیخ وی در ۸۳۰ در حاب در گذشت و وی در حلقه مریدان شاه نعمه الله ولی وارد شد و با او هم سفری دیگر بحج رفت و از آنجا از راه حجاز به هندوستان رفت و در دربار احمد شاه ولی بهمنی پادشاه کلبر که ودکن اعتبار یافت و برای نظم بهمن نامه يك لك يعنى صد هزار و یاده هزار تنگه باو بخشید ولی چون نخواست در برابر او خم شود از خدمت او چشم پوشید و بایران باز آمد و پس از آنکه چندی در دربار محمد بایسنغر بود از کارهای دنیوی اعراض کرد و در اسفراین گوشدای گرفت و سی سال عبادت کرد و درین موقع همه بزرگان زمان باو احترام میکردند چنانکه میرزا بایسنغر در زمانی که بحکمرانی عراق میرفت و از اسفراین میگذشت بخانه او رفت و برای سیاسگزاری از پندهایی که باو داده بود يك کیسه زر پیش او گذاشت و آورد کرد و سرانجام در اسفراین بسال ۸۶۶ در ۸۲ سالگی در گذشت و همه دارایی خود را وقف قبر خویش کرد و قبرش تا مدتی در آنجا زیارتگاه بود و از اوقاف وی طلاب در آنجا درس می خواندند و غذا می خوردند. آذری شاعر زبر دستی بود و در قصیده و غزل و مثنوی دست داشت. دیوان قصاید و غزلیاتش نزدیک سی هزار شعر دارد و بجز آن مثنوی بهمن نامه را در سفر هند در دربار پادشاهان بهمنی در تاریخ این خاندان سروده و نیز مثنوی امامیه ازوست و در سفر حج کتاب معی الصفا را برای راهنمایی زوار نوشته و تاریخ کعبه را در محوطه کعبه تألیف کرده است و دیگر از مؤلفات اوست: طغرای همایون، غرایب الدنيا و عجایب الاعلا که قسمت دوم عجایب المناوقات قزوینی را ترجمه منظوم کرده و بنام عجایب الغرایب نیز معروفست، مثنوی ثمرات، جواهر الاسرار در اسرار حروف که در ۸۴۰ به پایان رسانده است، مفاتیح الاسرار در تصوف.

۸ - مولانا حسن شاه هروی معروف بحسن شاه هزال نیز از شاعران نامی

قرن نهم بوده و در هرات میزیسته و سالها در مدرسه گوهرشاد بیگم و اخلاصیه و مدرسه عباسیه درس میگفته و در جوانی ملازم میرزا سلطان محمد بوده است و از زمان شاهرخ